مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل سبکی اشعار حمیدی‌شیرازی

محمدامین احسانی اصطهباناتی*، نجیمه فاضلی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۳، صص ۲۳۸-۲۰۷

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8254

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف واکاوی ویژگیهای سبکیِ اشعار حمیدی‌شیرازی و تبیین جایگاه او در شعر معاصر فارسی انجام شده است. حمیدی، با بهره‌گیری همزمان از سنتهای کلاسیک و گرایشهای نوپدید ادبی، از جمله شاعرانی است که گذار از سنت به تجدد را در ساحت زبان، تصویرپردازی و اندیشه بگونه‌ای متمایز بازنمایی کرده است. بر همین اساس، هدف اصلی این مطالعه، شناسایی مؤلفه‌های سبکی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری در شعر وی میباشد.

روش مطالعه: روش تحقیق در این مطالعه بشیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش سندکاوی انجام گرفته است. داده‌های پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند از مجموعه اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی گردآوری شده‌اند.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش در سطح زبانی (آوایی، نحوی و واژگانی)، نشان میدهد که حمیدی‌شیرازی در موسیقی بیرونی (وزن) از بحر رمل (بویژه رمل مثمن سالم) و در موسیقی کناری بر ردیف فعلی تکیه دارد. در سطح نحوی، غلبه وجه اخباری و هنجارگریزی با محوریت جابجایی فعل قابل توجه است. واژگان بکار رفته در شعر او نیز تلفیقی از باستان‌گرایی و واژگان حسی است. در سطح ادبی، شاعر در بدیع معنوی بیشترین بهره را از آرایه‌های تلمیح، تضاد و تناسب برده و در صور خیال، تشبیه حسی به حسی و استعاره مصرحه بسامد بالایی دارند. در سطح فکری، محور اصلی اشعار، تجربیات عاشقانه (همچون فراق و اندوه) است که با مضامین گله از روزگار و گذر عمر درآمیخته و با بهره‌گیری از تلمیحات حماسی و تاریخی تقویت شده است.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک شعری حمیدی‌شیرازی برآیندی از پایبندی به اوزان کلاسیک ادبیات فارسی، بهره‌گیری هنرمندانه از آرایه‌های ادبی و تصویرسازیهای حسی است که در خدمت بیان عواطف عاشقانه و دغدغه‌های شخصی شاعر قرار گرفته است؛ ویژگیهایی که ساختار آهنگین و هویت واژگانی منحصربفردی به اشعار او بخشیده است.

تاریخ دریافت: ۲۳ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۲۷ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۴ خرداد ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:
سبک شناسی. سطح زبانی. سطح ادبی. سطح فکری. حمیدی‌شیرازی.

* نویسنده مسئول:
ma.ehsani@cfu.ac.ir
(+۹۸ ۲۱)

Nintenth year, Number Five, August 2026, Continuous Number 123, Pages: 207-238

Journal of the stylistic of Persian poem and prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: https://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Study and Analysis of the Style of Hamidi-Shirazi's Poems

Ehsani Estahbanati*, N. Fazeli, M.A
Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 March 2026
Reviewed: 16 April 2026
Revised: 30 April 2026
Accepted: 14 June 2026

KEYWORDS
Stylistics. Linguistic level. Literary level. Intellectual level. Hamidi-Shirazi.

*Corresponding Author
ma.ehsani@cfu.ac.ir
(+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: This study aims to analyze the stylistic characteristics of Hamidi-Shirazi's poems and explain his position in contemporary Persian poetry. Hamidi, by simultaneously utilizing classical traditions and emerging literary trends, is among the poets who have represented the transition from tradition to modernity in the fields of language, imagery, and thought in a distinctive way. Accordingly, the main objective of this study is to identify stylistic components at three levels of language, literature, and thought in his poetry.

METHODOLOGY: The research method in this study is descriptive-analytical and uses library resources and document analysis. Research data were collected using purposeful sampling from the collection of poems by Mehdi Hamidi-Shirazi.

FINDINGS: The research findings at the linguistic level (phonetic, syntactic and lexical) show that Hamidi Shirazi relies on the Bahr al-Ramal (especially the Salem octagonal sand) in his outer music (weight) and on the present tense in his side music. At the syntactic level, the dominance of the adverbial and non-normative aspects with the focus on verb transposition is notable. The vocabulary used in his poetry is also a combination of archaism and sensory vocabulary. At the literary level, the poet in his spiritual creation makes the most of the devices of allusion, contrast and proportion, and in the forms of imagination, sensory-to-sensory analogy and explicit metaphor have a high frequency. At the intellectual level, the main focus of his poems is romantic experiences (such as separation and sadness), which are mixed with themes of lamentation over the past and the passing of life, and are reinforced by the use of epic and historical allusions.

CONCLUSION: The research results indicate that Hamidi-Shirazi's poetic style is a result of adherence to the classical standards of Persian literature, artistic use of literary devices and sensory imagery that serve to express the poet's romantic emotions and personal concerns; characteristics that have given his poems a unique melodic structure and lexical identity.

https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8254

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
38	0	17

مقدمه

سبک‌شناسی دانشی است که لایه‌های درونی و بیرونی متن را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد تحلیل قرار میدهد تا بسبک ویژه شاعر یا نویسنده اثر دست یابد. سبک یک اثر، روش خاص یک نویسنده یا شاعر برای بیان افکار و اندیشه‌های خود در اثرش است. در واقع سبک «روش خاص ادراک و بیان افکار بوسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۷۶: ۱/ص ۱۸). است. اساس کار سبک‌شناسی در آن است که متن موردنظر را از منظر کاربرد و شیوه‌های مختلف در سطوح زبانی، ادبی و فکری مورد تحلیل و واکاوی قرار میدهد. در سطح زبانی، ویژگیهای آوایی، دستوری و واژگانی اثر بررسی میشود، در سطح ادبی، آرایه‌های ادبی و صور خیال مورد بررسی قرار میگیرد و در سطح فکری، جهان‌بینی، باورها و اندیشه‌های بنیادین متن واکاوی میشود. اهمیت دانش سبک‌شناسی در این است که این علم علاوه بر آنکه متنی را از متنی دیگر متمایز مینماید، کلیدی راهگشا جهت درک ژرف‌ساخت یک اثر نیز است؛ بطوریکه با تحلیل این سه لایه، میتوان به پیوند میان فرم و محتوای یک اثر ادبی دست یافت.

مهدی حمیدی‌شیرازی از جمله شاعران معاصر فارسی است که در جریان نوگرایی شعر نیمایی همچون ملک‌الشعرا بهار رهی معیری و رعدی آذرخشی بر حفظ اصالتها و سنتهای کهن تأکید میورزید. وی هیچ علاقه‌ای بشعر نو و سبک شعری نیما نداشت و بشدت با آن مخالفت میکرد. «سروده‌های عاشقانه او که بازتاب عشقی ژرف و نافرجام بود، نام حمیدی را در عاشقانه‌سرایی ماندگار کرد. آثار اجتماعی سیاسی (وطنی) او موجب شد که شاعر ملّی لقب بگیرد و مخالفتهایش با نیما و شعر نو واکنشهای فراوانی برانگیخت». (معینی، ۱۳۹۸:ص ۱۲۹). مهدی حمیدی‌شیرازی چهره‌ای شاخص و ماندگار در ادبیات معاصر فارسی است که جایگاه رفیع خود را نه تنها در مقام شاعری توانمند در سرایش اشعار سنتی، بلکه بعنوان پژوهشگری دقیق در عرصه ادبیات نیز تثبیت کرده است و اشعار فراوانی در قالبهای متنوعی همچون قصیده، غزل، قطعه و دیگر گونه‌ها دارد. «زبان او در شعر بسیار روشن و شسته و همچون شاعران سبک خراسانی همراه با سادگی، گویایی و شیوایی است و برخی از تعبیرهای دلنشین او از آگاهی کامل بدقایق شعر و حدّت ذوق و باریکی و ظرافت اندیشه او حکایت دارد و گواهی بر استادی و فرزانگی او در سرایش شعر است» (صبور، ۱۳۸۰:ص ۳۳۱). امیری فیروزکوهی نیز در مورد ویژگی اشعار حمیدی میگوید: «در تمام دیوان او، شما با ابیات سست و نابهنجار و ضعف ترکیب و ضعف تألیف و تعقید زیاد برنمیخورید. همه اشعارش یکدست، متوازن، موزون و دارای موسیقی است» (ماحوزی و عرفانی، ۱۳۹۲:ص ۳۳۵). در میان آثار حمیدی، مجموعه «اشک معشوق» او جایگاهی ویژه دارد. این دفتر، آیینه تمام‌نمای مضامین عاشقانه اوست که در آن، عواطف انسانی با بیانی صریح، آهنگین و سرشار از شور و شیدایی بتصویر کشیده شده‌اند.. جستار حاضر بر آن است تا با واکاوی و بررسی سبک‌شناختی منتخبی از اشعار دفتر «اشک معشوق»، لایه‌های پنهان و ویژگیهای سبکی این شاعر برجسته را بازشناسد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا حمیدی‌شیرازی تنها مقلد سبک شاعران پیشین بوده است یا توانسته با پرداختن به مضامین فردی و عواطف غنایی هویت سبکی مستقلی را در قالب شعر سنتی ارائه دهد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی سبک‌شناسی اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی، از آن جهت حائز اهمیت است که این شاعر بعنوان چهره‌ای منتقد و مخالف شعر نوگرای (نیمایی) ادبیات معاصر، دارای جایگاهی برجسته در میان شاعران سنتگرای ادبیات معاصر فارسی است. انجام این تحقیق بکشف لایه‌های زیبایی‌شناختی و تحلیل ساختار زبانی، بیانی، ادبی و فکری

اشعار وی کمک مینماید و نیز خلأ موجود درزمینه بررسی و تحلیل اشعار حمیدی‌شیرازی را درزمینه سبک‌شناسی که تاکنون مغفول مانده را نیز پر مینماید.

نوآوریها و تقلیدها

مهدی حمیدی‌شیرازی شاعری سنتگرا و عمدتاً پیرو الگوهای شعر کلاسیک فارسی است. تقلیدپذیری او را میتوان در پای‌بندی به اوزان و قالبهای مألوف، بهره‌گیری گسترده از آرایه‌های شناخته شده بلاغی و نیز تکرار مضامین رایج تغزلی، مانند فراق، شکایت از معشوق، اندوه جدایی و گلایه از روزگار مشاهده کرد. همچنین غلبه ساختهای زبانی و نحوی متعارف و تکیه بر ظرفیتهای تثبیت‌شده سنت ادبی، نشان میدهد که شعر او بیش از آن‌که بر نوآوری بنیادین استوار باشد، در امتداد سنت شعری پیشینیان شکل گرفته است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی ـ تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی است. جامعه آماری پژوهش مجموعه اشعار «اشک معشوق» از مهدی حمیدی‌شیرازی چاپ سال ۱۳۷۸ انتشارات صدای معاصر است. نگارندگان ۱۵۰۰بیت از این دفتر را از نظر سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار داده‌اند.

پیشینه پژوهش

در زمینه سبک‌شناختی اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته اما در مورد درونمایه و شخصیت شاعری وی پژوهشهایی انجام شده است:

هاشمی و دیگران (۱۴۰۴) در مقاله «تحلیل و واکاوی حماسه در اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی» نتیجه گرفته‌اند که حمیدی‌شیرازی اغلب از نمادهای حماسی و اساطیری در منظومه سالهای سیاه جهت تحلیل و بررسی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی روزگار خویش استفاده کرده است. و این شاعر بنمایه‌های حماسی را نه برای ارائه مفاهیم وطنی، بلکه در قالب توجه به مسائل عاشقانه بکار گرفته است.

معینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تحلیلی دو بازنویسی خلاق در سروده‌های مهدی حمیدی‌شیرازی» دو مثنوی موسی و بت‌شکن بابل را که دو سروده معروف حمیدی‌شیرازی هستند با هم مقایسه نموده و نتیجه گرفته است که بت شکن بابل اثری خلاقتر و منسجمتر شناخته میشود.

محمدی و علوی (۱۳۹۷) در مقاله «بازتاب رخدادهای سیاسی و اجتماعی در شعر حمیدی‌شیرازی» به این نتیجه رسیده‌اند که درونمایه اشعار سیاسی حمیدی اغلب وطن پرستانه، در دفاع از تمامیت ارضی کشور و مخالفت با هجوم بیگانگان است.

ماحوزی و عرفانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرپذیری مهدی حمیدی‌شیرازی از شاعران پیشین» نتیجه گرفته‌اند که حمیدی برای بیان مضامین غنایی، عاشقانه، اخلاقی و اجتماعی از شاعران سده‌های پیشین در حوزه موسیقی کلام، وزن، قافیه، ردیف، صورخیال، لغات، ترکیبات و... بیشترین تأثیرپذیری را داشته است . وجه تمایز این مقاله با جستار پی رو آن است که نگارندگان در این مطالعه بررسی همه جانبه زبانی، ادبی و فکری در سطح قابل توجهی از اشعار حمیدی‌شیرازی انجام داده‌اند و حال آنکه در مقاله ماحوزی و عرفانی تنها به نوآوریها و تقلیدهای شاعر در برخی از حیطه‌های سبکی بسنده شده است.

بحث و بررسی

درباره مهدی حمیدی‌شیرازی

مهدی حمیدی‌شیرازی یکی از شاعران برجسته سنتگرای ادبیات معاصر ایران است که در سال ۱۲۹۳ ش در شهر شیراز بدنیا آمد. پدرش از عالمان زمان خود و مادرش زنی فاضل بود. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه شعاعیه شیراز گذراند و دوران متوسطه را در دبیرستان سلطانیه این شهر به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۱۲ به تهران رفت و وارد دانشسرای عالی شد و در سال ۱۳۱۶ در رشته ادبیات فارسی با کسب رتبه اول لیسانس خود را دریافت کرد. پس از چند سال تدریس دوره دکتری را در دانشکده ادبیات تهران به پایان رساند و بعد از آن با شغل دبیری در وزارت فرهنگ مشغول بکار شد و سپس به دانشگاه منتقل شد و با عنوان استادی به تدریس در دانشگاه پرداخت. در دوران بازنشستگی اوقات خود را به سرودن اشعار بلند پایه و تحقیق و تصحیح تحشیه دیوانهای شاعران و ترجمه فصیح و بلیغ نویسندگان نامی فرانسه و انگلیس گذراند و سرانجام در ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۶۵ چشم از جهان فروبست و در حافظیه شیراز بخاک سپرده شد. از جمله آثار وی میتوان به شکوفه‌ها، پس از یک سال، اشک معشوق، زمزمه بهشت، طلسم شکسته و ده فرمان اشاره کرد. از آثار منثور او سبکسریهای قلم، عشق دربدر (سه جلد)، شاعر در آسمان، فرشتگان در زمین میباشد. علاوه بر این موارد او آثار دیگری در تصنیف و ترجمه نیز دارد (ر.ک کامران، ۱۳۵۲:صص ۲۳۵ ـ ۲۳۶ و ماحوزی و عرفانی، ۱۳۹۲:ص ۳۳۲).

دانش سبک‌شناسی

سبک‌شناسی، دانش مطالعه علمی یک اثر اعم از نظم یا نثر است که به بررسی ویژگیهای مختلف زبانی، ادبی و دیدگاه‌های فکری یک متن میپردازد. «سبک ادبی، ویژگیهای منحصر بفرد هر گونه بیان کلامی است، نوعی گزینش از میان انبوه ماده خام و چینش هنرمندانه و اثرگذار مواد انتخابی، بنحوی که تأثیری هنری و ماندگار بر ذهن و روان خواننده بر جای گذارد. از این حیث سبک ادبی، نوعی هنر کلامی است» (حرّی، ۱۳۸۹:ص ۳۹). در بررسیهای سبک‌شناسی آثار، پژوهشگر با تحلیل الگوهای واژگانی، ساختاری و بلاغی، در حوزه زبانی، و بررسی متن از نظر صورخیال و تصویرسازیهای بکار رفته در آن در حوزه ادبی در پی این است که دریابد چگونه این ویژگیها در کنار هم بخلق معنا و ارائه شیوه‌ای جدید در سبک فردی یا دوره‌ای انجامیده‌اند. در واقع هدف اصلی سبک‌پژوهی این است که «تناسب بارز عناصر سبکی زبان را در متن سخن دریابد و بازنماید» (عبادیان، ۱۳۷۲:ص ۴۴). اهمیت دانش سبک‌شناسی و بررسی سبک متون مختلف موجب عمیقتر شدن درک ما از ظرافتهای زبانی میشود و بما می‌آموزد که چگونه انتخابهای بظاهر کوچک کلمات و ساختارهای زبانی و نحوی جملات میتوانند معنا و تأثیر یک متن را دگرگون نمایند. با تحلیل سبک یک اثر، میتوان پیامهای پنهان، دیدگاه نویسنده و شخصیت او را بهتر بشناسیم. علم سبک‌شناسی بعنوان دانشی نوین، به ما کمک میکند لایه‌های عمیق‌تر معنا و درک بهتر ارتباط میان زبان، ادب و اندیشه یک اثر و خالق آن را بهتر درک کنیم.

در ادامه به بررسی سبک‌شناسانه (زبانی، ادبی و فکری) منتخبی از اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی در مجموعه اشعار «اشک معشوق» میپردازیم. ابتدا در سطح زبانی آواها، واژگان و ساختارهای نحوی تحلیل خواهد شد؛ سپس در سطح ادبی، آرایه‌ها و صور خیال بیان میشود و جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناختی اثر را مورد واکاوی قرار میدهیم و در نهایت، در سطح فکری، دیدگاه‌ها، باورها و پیامهای اصلی شاعر را بررسی میکنیم تا درکی جامع از اشعار این شاعر بدست آوریم.

تحلیل داده‌ها

سطح زبانی

در سطح زبانی در بررسیهای سبک‌شناسانه متون، ویژگیهای بنیادین متن از منظر آوایی، واژگانی و نحوی مورد بررسی قرار میگیرد تا الگوها و انتخابهای زبانی منحصربفرد گوینده مشخص گردد.

بررسی ویژگیهای آوایی

موسیقی بیرونی (وزن): موسیقی بیرونی همان وزن عروضی شعر است که موجب آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن میشود و بر اساس کشش هجاها و تکیه‌هاست. موسیقی بیرونی یکی از جنبه‌های مهم در شعر بشمار میرود، زیرا این نوع موسیقی شاکله اصلی کار و جذابیت هنری شاعر در نظر مخاطب است (ر.ک عباسی و ملاالهی، ۱۳۹۰:ص ۱۱۰). در بررسی ۱۵۰۰ بیت از مجموعه اشعار اشک معشوق مهدی حمیدی‌شیرازی مشخص گردید که او از چهار بحر عروضی رمل، مجتث، متقارب و هزج بهره برده که از آن میان بحر رمل بیشترین بسامد و بحر هزج کمترین بسامد را در اشعار مورد بررسی داشته‌اند.

نمودار شماره (۱) بسامد انواع بحور عروضی در اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی

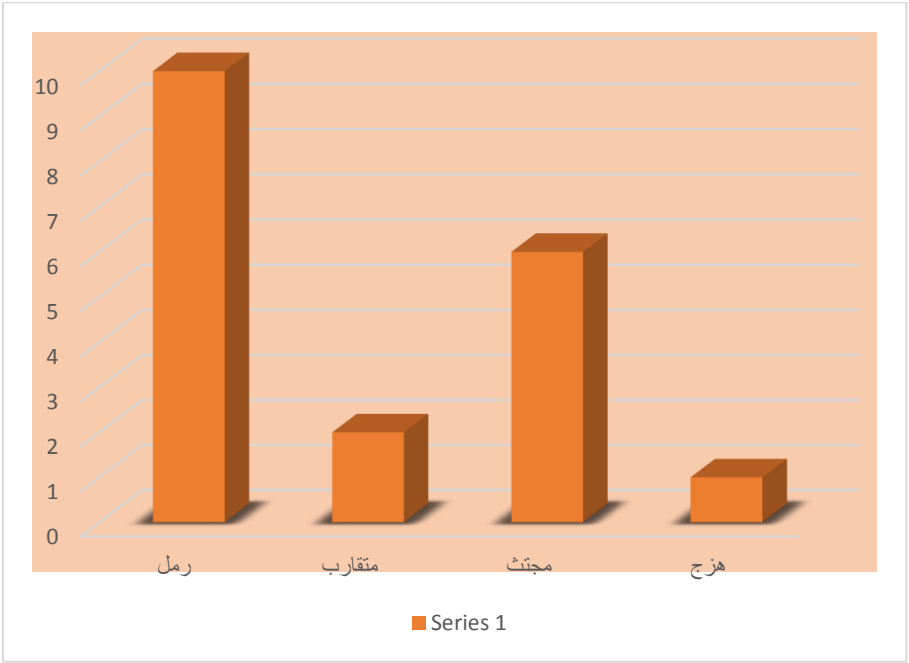

از میان زحافات بحر رمل در اشعار مورد بررسی، بسامد استفاده از بحر کامل رمل یعنی رمل مثمن سالم بیشتر از دیگر اوزان بحر رمل بوده است.

کـاروانی، کـاروانی! صـــبر کن تـا من درآیم　　پیش آن زیبنـده گـل؛ آن چهره روشـــن درآیم

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸:ص ۱۰۸)

نمودار استفاده از اوزان بحر رمل در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بشرح زیر است:

نمودار شماره (۲) بسامد اوزان بحر رمل در اشعار حمیدی‌شیرازی

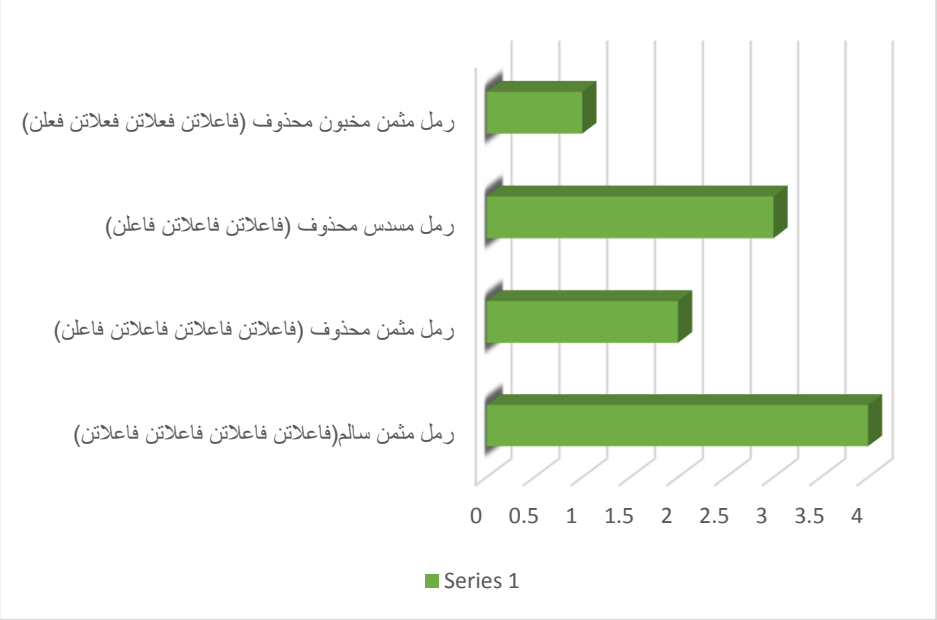

موسیقی کناری: منظور از موسیقی کناری آهنگ حاصل از قافیه و ردیف در شعر است شفیعی‌کدکنی آشکارترین نمونه موسیقی کناری را قافیه و ردیف میداند: «آشکارترین نمونه آن ردیف و قافیه است» (شفیعی‌کدکنی،۱۳۸۹:ص ۳۹۱). با بررسیهای صورت گرفته در اشعار مورد بررسی مشخص گردید که حمیدی از ۱۵ حرف روی در قافیه سازی استفاده کرده که از میان آنها حرف روی «ی» بیشترین بسامد و حرف روی «و» و «ل» کمترین بسامد را داشته‌اند. در اشعار مورد بررسی حمیدی از حروف پ، ث، ج، چ، ح، خ، ذ، ژ، ص، ض و ط در قافیه‌سازی استفاده نکرده است.

گر شـــب دیجور من مردی کند، تنها برآید　　پیش من ز آن به که با چهر مه زیبا برآید

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸:ص ۱۱۲)

ســـوختـی، ســـوختـی، جـوانـی مـن　　ای بـهـیـن دور زنـدگـانـی مـن

(همان:ص ۱۱۸)

مکن ایدوســـت! مکن، اینهمه آزار مرا　　بیش از این قصـــه مبر بر ســـر بـازار مرا

(همان: ص ۱۶۱)

گر خزان شـــد زندگی بر من ز بیداد بهاری　　شاد شد جان تذروی، مست شد چشم نگاری

(همان:ص ۱۲۷)

نمودار شماره (۳) بسامد انواع قافیه در اشعار حمیدی‌شیرازی

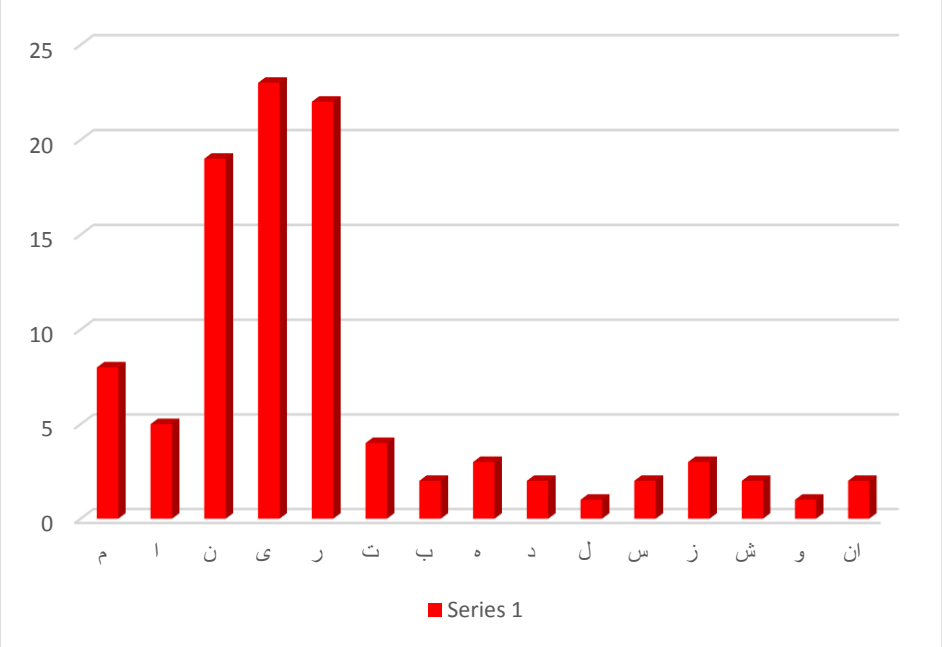

از میان ابیات مورد بررسی در اشعار حمیدی‌شیرازی تعداد ۴۴۸ بیت آن دارای ردیف بودند که در این میان ردیف فعلی بیشترین بسامد و ردیف شبه‌جمله کمترین بسامد را بخود اختصاص داده‌اند.

خبر رسید بگلبن که ابر تیره برآمد　　بهار تازه خزان گشت و عمر گل بسر آمد

(همان:ص ۱۸۱)

مست گیتی بودم و مست نگار دلبر خود　　مست بازیهای گردون بودم و بازیگر خود

(همان:ص ۱۸۷)

دگر کی خرم چهره روشنی را　　بفکر دگر هر دم آبستنی را

(همان:ص ۱۴۴)

تو در خوابی و بیدارم، دریغا　　نمی دانی و بیمارم، دریغا

(همان:ص ۱۷۱)

اگر دیدی شبی خرم، خدا نیست　　مدار چرخ جز بر ناسزا نیست

(همان:ص ۱۷۲)

نمودار شماره (۴) بسامد انواع ردیف در اشعار حمیدی‌شیرازی

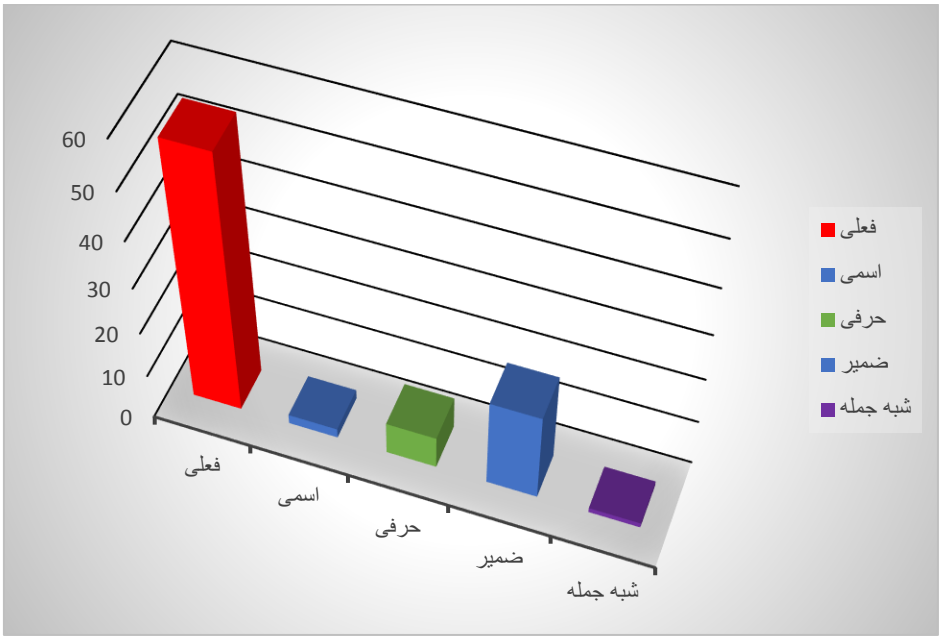

موسیقی درونی: سجع، جناس و تکرار موجب آهنگین شدن و موسیقی درونی شعر میشود. در این بخش انواع سجع، جناس و تکرار در اشعار حمیدی‌شیرازی مورد بررسی قرار میگیرد.

سجع:سجع یکی از روشهای افزودن موسیقی کلام است که در آن گوینده در سطح دو یا چند کلمه (یک جمله) و یا در سطح دو یا چند جمله (کلام) موسیقی و هماهنگی ایجاد میکند در واقع سجع بمعنای موسیقیایی سخن گفتن است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۳۳). در بررسی سجع در اشعار حمیدی‌شیرازی سجع مطرف بیشترین بسامد را دارد.

سجع متوازی: زمانی که هم وزن و هم حرف روی در کلمات یکسان باشد، سجع متوازی است. شمیسا در مورد سجع متوازی چنین میگوید: «تساوی همه هجاهای کلمات مسجع از نظر عدد و کمیت شرط است» (همان : ص ۳۴).

تاب شـــ یدایی ندارم، ور نه پروایی ندارم　　کو بـه پیش اختران از دیـدنش رســـوا برآیـد

(همان: ص ۱۱۲)

سجع متوازن: در سجع متوازن کلمات از نظر کوتاهی و بلندی هجاها با هم مساوی‌اند اما در واک روی مشترک نیستند (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۳۸).

عـمـــر مـــن بـــود دفـــتـــری و دو بـــاب　　عشـــــق و عشـــــق اول اســـــت و ثـا نی من

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۹)

سجع مطرف: در سجع مطرف کلمات از نظر وزنی متفاوت، اما از نظر حرف روی یکی هستند (ر.ک همایی، ۱۳۷۵: ص ۴۲). سجع مطرف در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بسامد بیشتری نسبت به سجع متوازی و سجع متوازن دارد:

عهد با من بستی و با دیگران خرم نشستی در پی رنج من و در فکر آزار منی تو

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۹)

نمودار شماره (۵) بسامد انواع سجع در اشعار حمیدی‌شیرازی

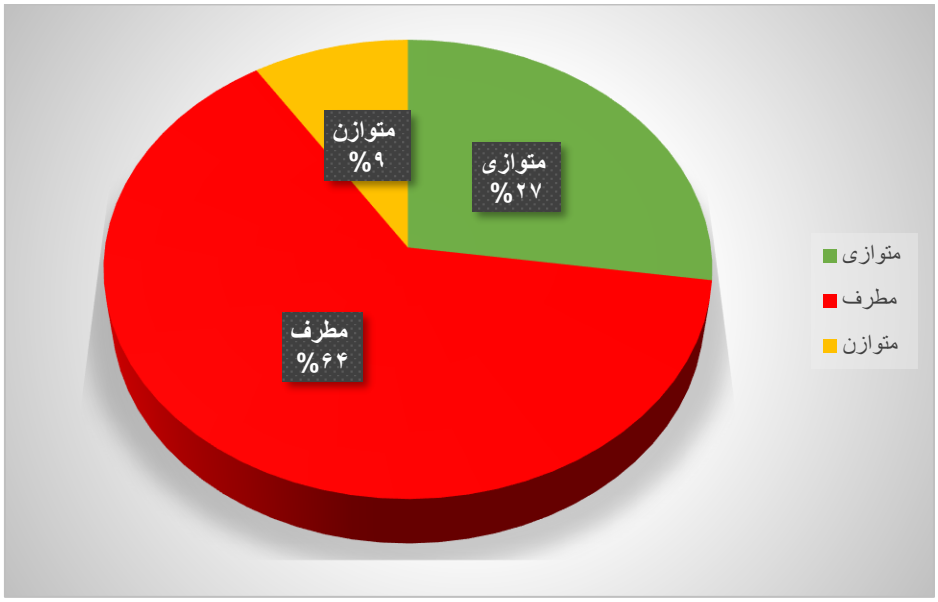

جناس: یکی دیگر از روشهایی که متن را آهنگین میکند و در آن ایجاد موسیقی مینماید، جناس است. این روش «همگونی میان واژگان است، بصورتی که از دید ریخت و آوایی همانندی و پیوندی دیگر بتوان یافت» (کزازی، ۱۳۷۷: ص ۴۸).

جناس مضارع: «هر گاه دو واژه در حرف نخست اختلاف داشته باشند و این دو حرف قریب‌المخرج باشند آن را جناس مضارع گویند» (تجلیل، ۱۳۷۱:ص ۳۰). این نوع جناس در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی بسامد چندانی ندارد:

آسمانی دختران، این اختران؛ این دلبرانم تا سحر خواندند بس افسانه از افسونگرانم

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷)

جناس خط: «تشابه دو کلمه در کتابت، قطع نظر از نقطه در نوشت بگونه‌ای که بیک شکل باشد» (رجایی، ۱۳۷۹: ص ۴۰۵). این نوع جناس بسامد کمی در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی دارد:

باغبان بر شاخه‌ای انگشت زد یعنی این ناز است! چشم باز کو؟

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۴۹۴)

جناس زاید: زمانی که یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری یک حرف در اول، وسط و یا آخر اضافه داشته باشد (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۴۲). جناس زاید خود به سه نوع جناس مطرف یا مزید (مختلف‌الاول)، جناس وسط (مختلف‌الوسط)و جناس مذیل (مختلف‌الاخر) تقسیم میشود. این نوع جناس در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بسامد بسیار بالایی دارد:

مختلف‌الاول (مزید)

ندانسته بودی که بیچاره را اگر چاره باشد بخواب اندر است

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۳)

مختلف‌الوسط

ببالین مادری دارم گهر ریز بر آن گوهر گهر بارم، دریغا

(همان: ص ۱۷۱)

مختلف‌الاخر (مذیل)

من جز این هیچ ندانم که باستادی خلق کرده انکارم و کس نیست بانکار مرا

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۶۳)

نمودار شماره (۶) بسامد انواع جناس در شعر حمیدی‌شیرازی

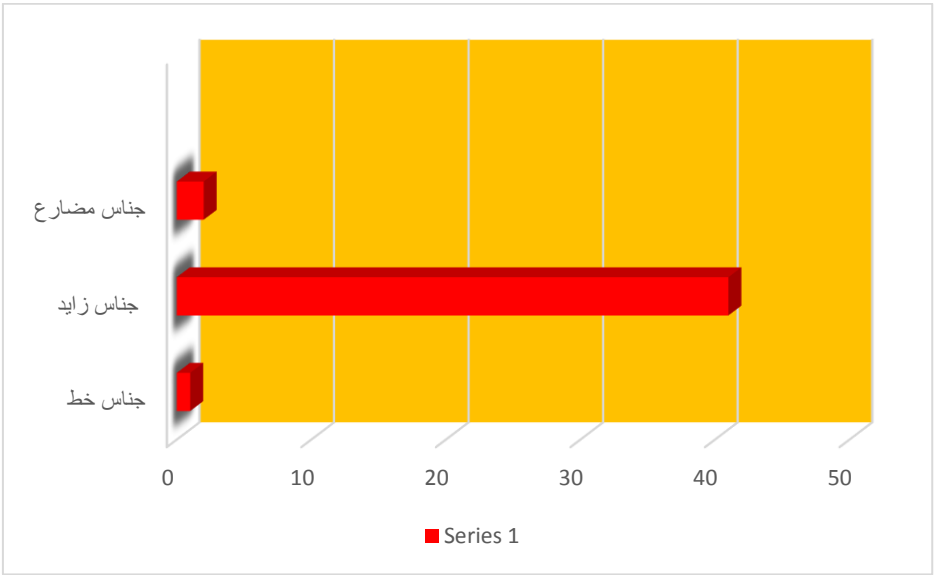

تکرار: تکرار زمانی است که شاعر یا نویسنده بشیوه هنری واج، واژه و یا حتی جمله‌ای را در متن تکرار کند و موجب زیبایی متن گردد. در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی مشخص گردید که او از انواع تکرار همچون تکرار واج (تکرار صامت و مصوت) و بویژه تکرار واژه با بسامد بسیار بالایی استفاده کرده است.

تکرار واج (واج آرایی): تکرار واج، تکرار صامتها و مصوتهاست (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۵۷). در اشعار بررسی شده حمیدی واج‌آرایی بویژه تکرار صامت یا همحروفی با بسامد نسبتاً بالا آمده است:

ـ تکرار مصوت (همصدایی)

تکرا مصوت بلند (ا)

نیـک میـدانم بتـا! اینـک تـو درد مـن نـدانی　　یـاد بـاد آن شـب کـه بـودت دیـده گـوهر نثـاری

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۸)

تکرار مصوت کوتاه ـُ

بهار بود و چمن بود و عشـــق و شـــادی بود　　نـگـار داد و چـمـن داد و نـوبـهـار نـهـاد

(همان: ص ۱۸۳)

ـ تکرار صامت (همحروفی)

تکرار صامت (گ)

گر گل و گوهر شود دیگر گل و گوهر نخواهم　　گر می و شـــکر شـــود دیگر می و شـــکر نخواهم

(همان: ص ۱۱۱)

تکرار صامت (چ و ش و د)

در میان چشمه اشکم چو رخ شوید چو شیرین　　این درســـت آید که خورشـــید از دل دریا برآید

(همان: ص ۱۱۲)

تکرار واژه: آن است که واژه‌ای در سخن تکرار شود بگونه‌ای که مایه زیبایی شود (ر.ک کزازی، ۱۳۷۷: ص ۸۲). اصطلاحات تکرار واژه (تصدیر)، بر اساس موقعیت قرارگیری آنها در بیت یا مصراع، نامگذاری میشوند.

رد العروض الی الابتدا

چو گـل رفـت و ویرانـه شـــد گلســـتـان　　گـلســـتـان بـبـوی گـلاب انـدر اســـت

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۳)

رد الصدر الی الابتدا

نـگـار مـن و دلـربـای مـن اســـتـی　　پـس از مـن یـادگـار مـنـی تـو

(همان: ص ۱۴۳)

رد الصدر الی العروض

بدترم از آنچه دشمن گوید و دشمن شناسد　　نیست جز من بوالهوس مردی و نابخرد جوانی

ردالصدر الی العجز

این تویی کز عشـــق من یکدم نمیرفتی بخواب؟!　　وای بر من، وای بر من، وای برمن، این تویی؟!

(همان: ص ۱۷۷)

تکریر: زمانی که دو کلمه پشت سر هم بصورت منظم تکرار شود و یا آنکه بصورت پراکنده و نامنظم در بیت بیاید (ر.ک محبتی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۳).

تا بیابم اندکی آهســـته‌تر، آهســـته‌تر رو　　گر برآشـــوبـد بگو انـدک بمـان تـا من درآیم

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۸)

نمودار شماره (۷) بسامد انواع تکرار در اشعار حمیدی‌شیرازی

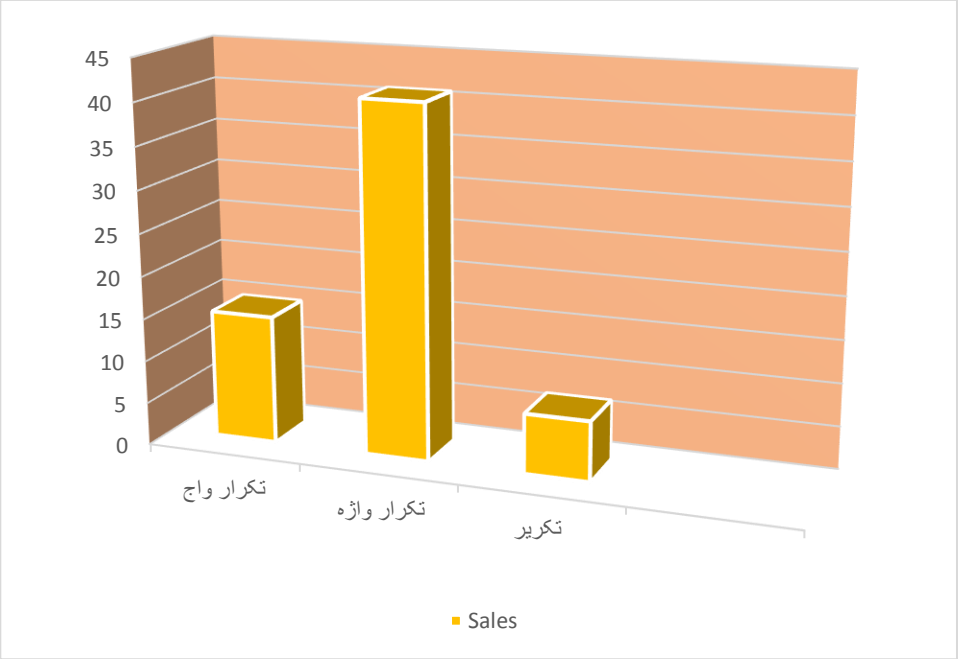

سطح نحوی

در سطح نحوی زبان به بررسی سبک‌شناسی جمله از نظر جابجایی ارکان جمله مانند تقدیم فعل، جابجایی فعل، تقدیم و تأخیر مفعول، متمم و نهاد جمله پرداخته میشود. همچنین مباحثی همچون نوع جملات مانند جملات کوتاه و ساده، جملات وابسته یا جملات هم پایه در متن مورد واکاوی قرار میگیرد. وجهیت از دیگر مواردی است که در این بخش بررسی میشود.

جابجایی فعل: با بررسی شعر حمیدی از نظر جابجایی ارکان جمله دریافتیم که این هنجارگریزی بیشترین بسامد را در سطح نحوی دارد.

سوی من راند خدا آخر دلیر سیستانی بیژنی در چه نماند تا ابد در داستانی

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۸)

تقدیم و تأخیر متمم و مفعول: از دیگر هنجارگریزیهایی است که در شعر حمیدی پس از جابجایی فعل بسامد بالایی دارد:

در سرشکم حلقه زد گیسوی او شامگه بر دوش سنبل اوفتاد

(همان: ص ۴۸۱)

دشمنان دوست مانندم کنندم سرزنشها تا بخون دل فروشند برگ دفترم را

(همان: ص ۱۰۹)

تقدیم فعل: در شعر حمیدی تقدیم فعل نیز وجود دارد، اما بسامد آن نسبتاً بالا نیست.

تا نسوزی و نسوزانی بار دگرم مگذر از پیش نظر نیز دگربار مرا

(همان: ص ۱۶۱)

جابه جایی نهاد: جابجایی نهاد در اشعار مورد بررسی حمیدی کمترین بسامد را دارد.

غفلت من ترا بزردی داد ای دو رخسار ارغوانی من

(همان: ص ۱۱۸)

نمودار شماره (۸) بسامد انواع هنجارگریزی ارکان جمله در شعر حمیدی‌شیرازی

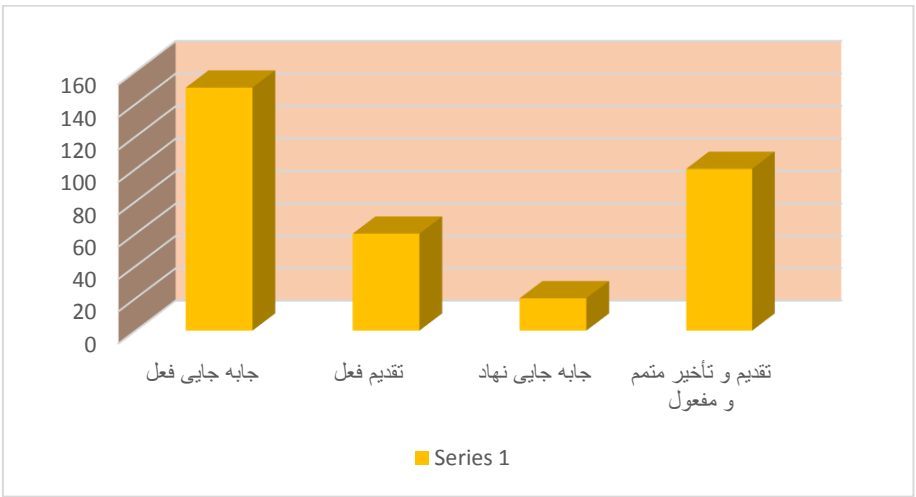

وجهیت: وجهیت در فعل «عبارت است از دلالت او بر وقوع یا لاوقوع عمل بشکل اخبار یا احتمال یا امر (خیامپور، ۱۳۷۲:ص ۸۵). وجه فعل «مناسبات گوینده یا نویسنده است بطرز اجرای عملی که توسط فعل بیان میشود» (شفایی، ۱۳۶۳:ص ۸۹). از جمله وجوه فعلی میتوان به وجه اخباری، امری، پرسشی و التزامی اشاره کرد.

وجه اخباری: در وجه اخباری وقوع یا عدم وقوع فعل با قطعیت و یقین بیان میشود و اسناد در آن قابل صدق و کذب است (ر.ک فرشیدورد، ۱۳۸۸: ص ۳۸۱). این وجه در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بیشترین بسامد را دارد.

خبر رسید بگلبن که ابر تیره برآمد　　بهار تازه خزان گشت و عمر گل بسر آمد

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۱)

وجه التزامی: بنا بر اعتقاد شریعت «در وجه التزامی احتمال صدق و کذب در گفتار وجود ندارد و آن را به احتمال از قبیل آرزو، میل، امید، شرط و امثال آن بیان میکنند» (شریعت، ۱۳۶۷: ص۱۳۱).

ماه تا با! ماه تا با! چون بلرزی بر تن شب　　یاد آن سیمین تن و آن لرزش دیبا برآید

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۲)

وجه امری: در وجه امری «نگرش گوینده به اجرای امر و فرمان است» (فروزنده و بنی‌طالبی، ۱۳۹۳:ص ۸).

مکن ایدوست! مکن، اینهمه آزار مرا　　بیش از این قصه مبر بر سر بازار مرا

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۶۱)

وجه پرسشی: در وجه پرسشی امری یا چیزی مورد سؤال واقع میشود و غرض اصلی از پرسش طلب اخبار است، اما گاهی نیز جهت تأثیر بیشتر کلام، بجای سایر انواع جمله از جمله پرسشی استفاده می‌شود (ر.ک شمیسا، ۱۳۷۳:ص ۱۱۱).

ای خدا گر عاشقان را هست در پیش تو جایی　　کو شب امید زائی، کو صبح کامگاری؟

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۷)

نمودار شماره (۹) بسامد وجهیت در اشعار حمیدی‌شیرازی

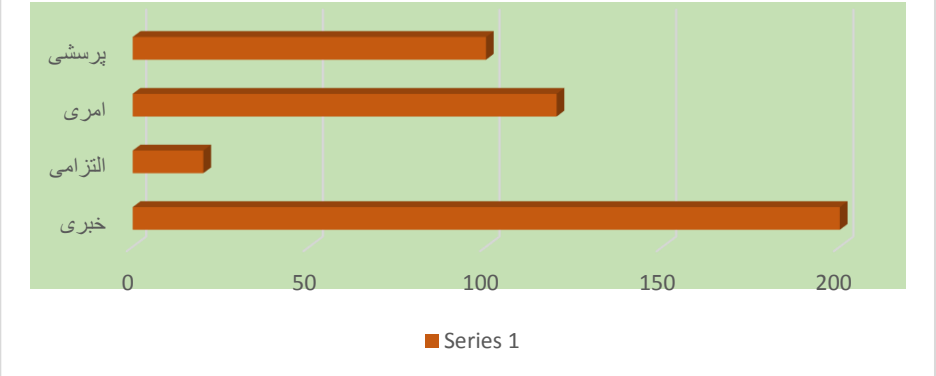

ساختمان جمله: در بررسی ساختمان جمله در متن، جمله از نظر کوتاهی و بلندی مورد بررسی قرار میگیرد.

جملات ساده و کوتاه: بسامد این جملات پس از جملات وابسته در شعر حمیدی نسبتاً بالاست:

شب بی خیره در کار صورت شدم　　شبی محور در کار صورتگرم

(همان: ص ۲۹۵)

جملات وابسته: جملات وابسته در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی بیشترین بسامد را داشتند:

گرچه همتای منیژه استی و در چاهم فکندی　　صبر کن، آخر بمان، تا از چه بیژن در آیم

(همان: ص ۱۰۸)

جملات همپایه:جملات هم‌پایه نسبت به جملات وابسته و جملات کوتاه بسامد کمتری داشتند، اما باید ذکر کرد اختلاف میان جملات کوتاه و جملات همپایه در اشعار مورد بررسی بسیار کم است.

شبم بگذشت و مهتابی ندارم　　خیالی دارم و خوابی ندارم

(همان: ص ۱۷۱)

نمودار شماره (۱۰) بسامد انواع جملات در اشعار حمیدی‌شیرازی

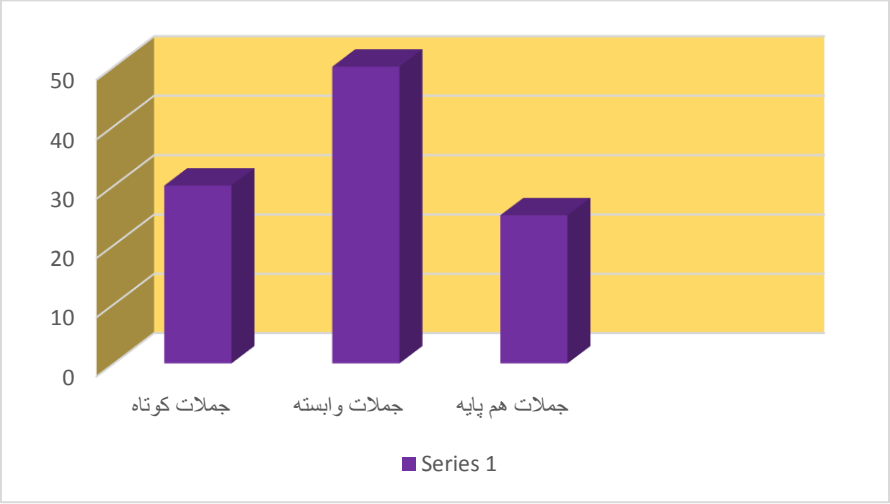

سبک‌شناسی واژگانی (لغوی)

در سبک‌شناسی واژگانی، متن از نظر ساخت کلمات جدید، حسی و ذهنی بودن کلمات و ویژگیهای ساخت مورد بررسی قرار میگیرد.

ساخت واژگان جدید (واژه‌سازی): منظور از واژه آفرینی یا ساخت واژگان جدید در یک متن این است که گاهی شاعر یا نویسنده واژگانی را بکار میگیرد که ساخته ذهن او هستند و پیش از او در اثر دیگری مشاهده نشده است. «ساخت واژه یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی قدرت شاعر میتواند محسوب شود که بنوعی توانایی شاعر را در

ساخت و ترکیب واژه‌ها نشان میدهد. البته منظور از این واژه‌ها هر واژه غیر هنجار نیست؛ زیرا در این صورت هرکس میتواند با بر هم ریختن قواعد زبان، واژه‌هایی بسازد مهمل و نازیبا، بنابراین واژه‌ها و ترکیبهای ساخته شده باید اصل جمال‌شناسی و رسایی را در زبان داشته باشند» (کنونی، ۱۳۹۵: ص ۵۵). در بررسی اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی از نظر واژه‌سازی دریافتیم که او با بهره‌گیری از ظرفیتهای زبان کهن و الگوهای سبک خراسانی، بشکلی خلاقانه به ترکیب‌سازیهای نو دست زده و واژگان ابداعی خود را در کنار کلمات کهن شعر سنتی بکار گرفته است. واژگان جدیدی که حمیدی در شعر خود استفاده کرده در عین تازگی، رنگ‌وبوی اصیل شعر سنتی را به آثارش بخشیده است. او با احیای واژگان کهن رایج در ادبیات کلاسیک و پیوند آنها با واژه‌سازی‌های شخصی، سبکی متمایز در بستر شعر سنتگرا ایجاد نموده است. از جمله این واژگان و ترکیبها میتوان به خون‌پالا(حمیدی‌شیرازی،۱۳۷۸:ص۱۷۶).خوشترک(همان:ص۱۲۷)،ماهتابا(همان:ص۱۱۲)،خون‌آلا(همان:ص۱۷۴)،پرشکن(ص۱۷۴)،دهان‌آلا(همان:ص۱۷۶)،مفتون‌تر(همان:ص۱۸۹)، شب‌آوای(همان:۱۹۰ص)،زنخدان(همان:ص ۱۸۲)، گوهرزا (همان:ص ۱۹۰)، خون پالا (همان:ص ۱۱۲)، ،آبستنا (همان:ص ۱۱۱)، نادلگشا (همان:ص ۱۷۲) و نازیبا (همان)، اشاره کرد. این کلمات حاصل خلاقیت واژه‌پردازانه و ترکیب‌سازی حمیدی هستند اگرچه ممکن است که در ساخت آنها از ویژگیهای ساخت واژگان کهن استفاده شده باشد، اما خود ترکیبات نو هستند و سابقه‌ای در متون گذشته ندارند و میتوان آنها را در شمار نوآوریهای زبانی حمیدی قرار داد.

کاربرد کلمات کهن: حمیدی در اشعار خود از کلمات کهن استفاده کرده است. کلماتی همچون بهین (همان:ص ۱۱۸)، لجه‌ام (همان). سرگران (همان)، زهرخند (همان:ص ۱۱۹)، گلبن(همان)، دیهقانم (همان)، صباح (همان:ص ۱۲۷) ،کامگاری(همان)، هشیوار، خرگه(همان:ص ۱۲۷)، دیجور (همان:ص ۱۱۲)، هریمن (همان:ص ۱۷۲)، فسونکار (همان:ص ۱۶۱)، سخره (همان:ص ۱۶۲)، شباهنگ (همان:ص ۱۷۲)، دوش (همان:ص ۱۸۷)، دوشینه (همان:ص ۱۹۱)، سرشک (همان:ص ۴۸۱)، نشتر (همان:ص ۲۹۵)، خرامد (همان:ص ۲۹۶)، قلتبان (همان:ص ۲۳۲)، نستیهن (همان:ص ۱۱۰)، نوشخند (همان:ص ۱۷۴)، واژگان کهنی هستند که در شعر سنتی فارسی دیده میشوند.

ساخت کلمات جدید با استفاده از ویژگیهای زبانی کهن: کلمات جدیدی همچون ماهتابا (همان:ص ۱۱۲)،آبستنا (همان:ص ۱۱۱)، خون پالا (همان:ص ۱۷۶)، دوستکانی (همان:ص ۱۱۸)، جانستانی(همان)، دهان آلا (همان:ص ۱۷۶)، مفتونگر (همان:ص ۱۸۹)، بوسه‌گاه (همان:ص ۲۳۲)، نسترون (همان:ص ۱۰۸)، محنت‌زا (همان:ص ۴۸۱)، ناباغبانی (همان:ص ۲۳۲)، کلمات جدیدی هستند که برخی از آنها با استفاده از ویژگیهای زبانی شعر سنتی فارسی ساخته شده‌اند. استفاده از ک تصغیر در ساخت کلماتی همچون خوشترک (همان:ص ۱۲۷)، و مرغک (همان:ص ۱۷۱)، نرمک (همان:ص ۴۸۱)، استفاده از الف ندا در آخر کلمات مانند آبستنا (همان:ص ۱۱۱)، ماهتابا (همان:ص ۱۱۲)، دریغا همان:ص ۱۷۱)، منا، بتا (همان:ص ۱۸۱)، نگارا (همان:ص ۱۴۴)، خرّما (همان:ص ۱۰۹)،نسترونا (همان:ص ۱۰۸)، استفاده از کلمات مخفف مانند بیهشی، پیمبر (همان:ص ۱۱۸)، زانکه (همان:ص ۱۷۶)، شامگه (همان:ص ۴۸۱)، وینهمه (همان:ص ۲۳۱)، ترا (همان:ص ۱۴۳)، تبه (همان:ص ۱۶۳)، سیه، مه (همان:ص ۱۷۴)، استفاده از اندر به جای در، اندر خون (همان:ص ۱۸۹)،اندرچشم (همان:ص ۱۸۷)، اندر است (همان:ص ۲۸۳) از دیگر ویژگیهای زبانی در سطح واژگانی در شعر حمیدی است. کاربرد سر هم نوشتن حروف اضافه به کلمات مانند بدنبال (همان:ص ۱۴۴)، براستی (همان:ص ۹۴)، بجانستانی (همان:ص ۱۱۸)، بدام (همان:ص ۱۱۰) نیز از دیگر ویژگیهای زبانی شعر حمیدی است.

کاربرد افعال کهن: در مورد فعل نیز در اشعار مورد بررسی، حمیدی از افعال کهن در شعر خود استفاده کرده است. استفاده از افعالی با ویژگیهای مانند استفاده از «مَ» به جای «ن» در افعال نفی مگذر (همان: ص۱۶۱)، مکن (همان)، مانند آوردن «همی» بر سر فعل همی‌افشاند (همان:ص ۱۸۷)، همیکردم (همان)، مخند (همان:ص ۱۲۷)، استفاده از فرو در اول فعل، فروبندی (همان:ص ۲۳۳)، فرو ریزد (همان: ۲۹۵)، یا استفاده از ب در ابتدای فعل بگریختم (همان:ص ۴۸۱)، بشکفته (همان:ص ۱۷۴)، بگذشت (همان:ص ۱۷۱)، استفاده از افعال پیشوندی برکشم (همان:ص ۱۲۸)، برآمد، درآمد (همان: ص ۱۸۱)، برگیری (همان:ص ۲۳۳)، برانگیز (همان: ص۱۴۵)، و دیگر استفاده از کاربرد افعال کهنی همچون کجایستی (همان:ص ۱۱۹)، شنیدستم (همان:ص ۱۷۶)، اوفتاد (همان:ص ۴۸۱)، خواندستید (همان:ص ۱۶۲)، گرستم (همان:ص ۱۸۹)، خروشیدن، خرامد (همان:ص ۲۹۶)، استی (همان: ص ۱۰۹). در شعر حمیدی با بسامد زیاد وجود دارد.

کاربرد کلمات عامیانه: حمیدی در اشعار خود از کلمات عامیانه استفاده کرده که بسامد چندان بالایی ندارد. از جمله این واژه‌ها میتوان به پشیزی (همان:ص ۹۵)، فی المثل (همان: ص ۱۷۵)، نرم نرمک (همان:ص ۴۸۶)، فلان کس و فلان شب (همان:ص ۱۰۹)، والله و بالله (همان:ص ۱۱۰)، فسونکار (همان:ص ۱۰۹)، وا کن (همان:ص ۴۹۴) اشاره کرد.

کاربرد کلمات عربی: استفاده از کلمات عربی در اشعار مورد بررسی حمیدی بسامد بسیار پایینی دارد. از جمله این کلمات سحار (همان:ص ۱۶۳)، حمراء (همان:ص ۱۷۳)، سعد، اسما، لمثل (همان: ص۱۷۵)، بوالهوس و محتال (همان:ص ۲۳۱) هستند.

نمودار شماره (۱۱) بسامد انواع واژه‌های بکار رفته (سطح واژگانی) در شعر حمیدی‌شیرازی

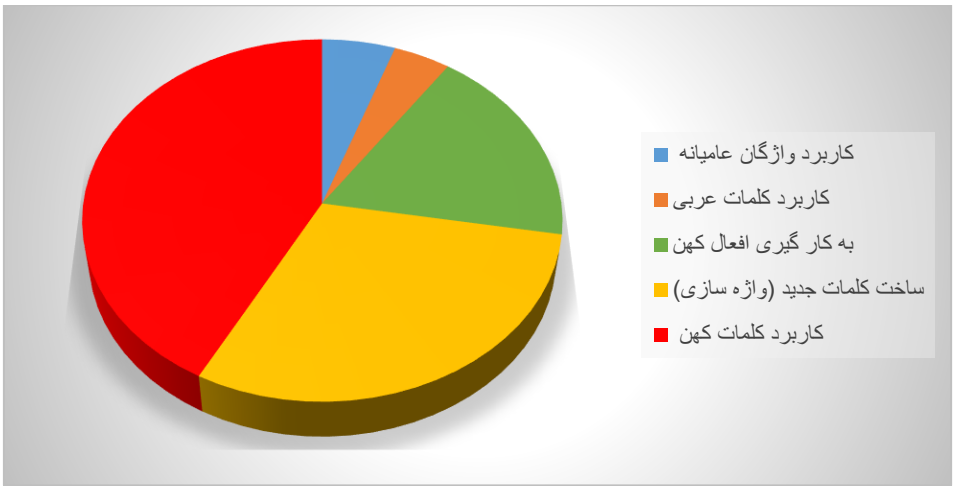

باستان‌گرایی: یکی از هنجارگریزیهایی که در سطح واژگانی مورد بررسی قرار میگیرد، باستان گرایی یا آرکائیسم است که جزء هنجارگریزی زمانی بشمار می‌آید. در این هنجارگریزی شاعر از اصطلاحات، واژگان و حتی حروفی که به زمان قبل از زمان شاعر است، استفاده میکند. در واقع شاعر واژگان کهن و قدیمی را که در زبان هنجار

تقریباً منسوخ شده‌اند بکار میگیرد. این نوع هنجارگریزی هم جنبه اطلاعی دارد و هم در غنای زبان و نیز زنده کردن واژگان تأثیرگذار است (ر.ک حمیدیان، ۱۳۸۱:ص ۳۶۹). حمیدی‌شیرازی در حوزه فعل، اسم و کاربرد اسامی خاص کهن از تکنیک باستان‌گرایی در شعر خود استفاده کرده است. از جمله باستان‌گرایی در حوزه فعل میتوان به افعال کهنی همچون مخوان، مکن، مگذر، مران و میفروز که در آنها م به جای ن منفی آمده است (ر.ک حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۶۱). یا افعال منسوخ شده‌ای همچون خواندستید، دیدستید (همان: ص۱۶۲). شنیدستم (همان: ص۱۷۶). استفاده از همی به جای می در افعال همیخواندم، همیکردم، همی افشاند (همان: ص۱۸۷). خفتن (همان: ص۱۷۷)، گرستم (همان:ص ۱۸۹). فرو ریزد (همان:ص ۲۹۵). در شعر حمیدی‌شیرازی اشاره کرد. از باستان‌گرایی در حوزه اسم در شعر حمیدی نیز میتوان به سخره، هشیوار (همان: ص۱۶۲)، گردون (همان: ص۱۷۲)، گلبن (همان: ص۱۸۱). فسرده، مشکبار (همان: صص ۱۸۳ ـ ۱۸۴). دوش، دوشینه (همان: صص۱۸۷و۱۹۱). محنت، شوخ (همان: ص۱۹۳). اشاره داشت. در حوزه اسامی خاص کهن شعر حمیدی سرشار از اسامی کهنی همچون اسامی شاهنامه همچون افراسیاب، بیژن (همان: ص۲۸۳). بیژن و منیژه (همان: ص ۱۴۳). سهراب (همان:ص ۴۸۱). اشکبوس، تهمتن (همان: صص ۱۱۸ـ ۱۱۹). و اشخاص تاریخی همچون شیرین و فرهاد، لیلا و مجنون، وامق و عذرا، یوسف (همان:صص ۱۹۰ ـ ۱۹۳). مسعود، خاقانی (همان:ص ۱۷۲)، سلیمان (همان: ص ۱۴۴). است.

کلمات حسی و انتزاعی: از نظر کاربرد کلمات حسی و انتزاعی با بررسیهای بعمل آمده میتوان گفت که حمیدی از کلمات حسی در اشعار خود بیشتر بهره گرفته است:

بتـار طره‌ای از این ســـپس اســـیر نگردم زنم چو باد صـــبا لحظه لحظه چنگ بتاری

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸:ص ۹۴)

نمودار شماره (۱۲) بسامد واژگان انتزاعی و حسی در اشعار حمیدی

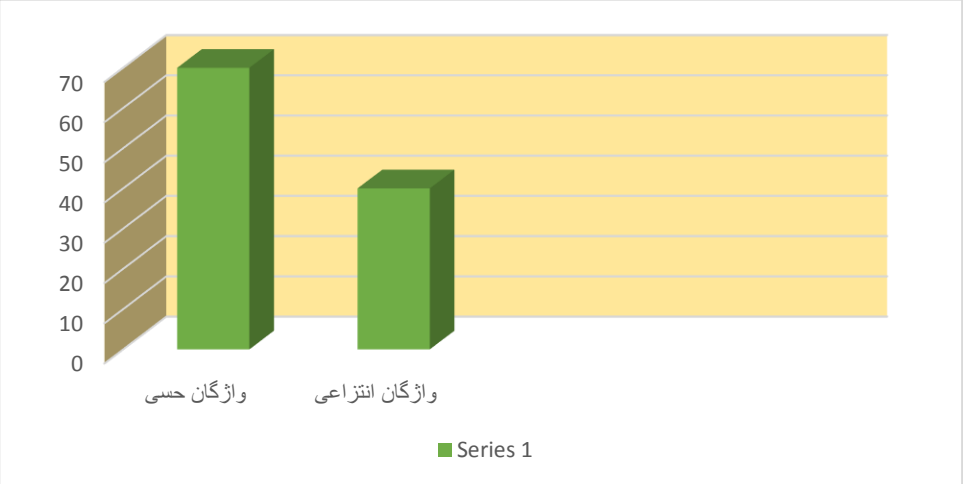

سطح ادبی

در سطح ادبی ویژگیهای ادبی متن همچون آرایه‌های بدیعی و بیانی مورد بررسی قرار میگیرد. آرایه‌های بکار گرفته شده در متن ادبی توانایی شاعر یا نویسنده را نشان میدهند و نیز با واکاوی این آرایه‌هاست که میتوان به جهان‌بینی

صاحب اثر پی برد. در این سطح ابتدا بدیع معنوی که شامل آرایه‌هایی همچون تضاد، تناسب، پارادوکس و حس آمیزی است در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی تحلیل و استخراج میگردد و پس از آن به صورخیال یا آرایه‌های بیانی همچون تشبیه، استعاره و کنایه میپردازیم.

بدیع معنوی: در بدیع معنوی آرایه‌هایی که زیبایی آنها در گرو معنا و محتوای کلام است مانند تناسب، تضاد، پارادوکس، تلمیح، لف و نشر و... بررسی میشود. حمیدی‌شیرازی در اشعاری که ما بررسی نمودیم در بدیع معنوی بیشتر از آرایه‌های تلمیح، تضاد و مراعات نظیر استفاده کرده است.

تناسب (مراعات نظیر): تناسب بدین معناست که در سخن کلماتی را بیاورند که از نظر مفهومی با هم متناسب باشند (ر.ک نوروزی، ۱۳۷۸: ص ۹۹). زمانی که شاعر یا نویسنده کلماتی در جمله بیاورند که با یکدیگر تناسب داشته باشند و خواه این تناسب از نظر هم جنس بودن باشد یا از لحاظ مشابهت یا مجاورت باشد آرایه تناسب یا مراعات نظیر است (ر.ک همایی، ۱۳۷۵: ص ۸۶). حمیدی شیرازی از این آرایه در شعر خود استفاده کرده، اما بسامد آن چندان بالا نیست:

خنده‌ای بود و لبی بود و رخی بود و نشاطی هر یکی شد آتشی افروخت بر جانی شراری

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۷)

تضاد: در تضاد شاعر یا نویسنده کلمات متضاد یکدیگر را در شعر یا متن خود ذکر میکند. «آوردن الفاظی که در معنی ضد یکدیگر باشند» (اقبالی، ۱۳۶۶: ص ۱۸۶). بسامد تضاد در شعرهای مورد بررسی حمیدی‌شیرازی نسبتاً بالاست:

مجلسی آراسته، بزمی چو گلزار بهشت روزها از شب، شبان از روز، پرغوغا ترک

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۷۵)

پارادوکس: «تصویرهای پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن بلحاظ مفهوم یکدیگر را نقض میکنند. اینگونه تصویرهای پارادوکسی را در همه ادوار شعر فارسی میتوان یافت» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۱: ص ۵۴). پارادوکس در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی بسامد چندانی نداشت:

نزارم به پیکر ولی فربهم چو شمشیر تیزم، ولی لاغرم

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۹۶)

حس آمیزی: «حس آمیزی بدین سان است که گوینده در بیان خود چند حس مختلف را با هم بیامیزد» (صادقیان، ۱۳۸۷:ص ۷۵). این آرایه در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی بسامد بسیار کمی دارد:

ای لب لعل نگارین، ای لب آشوبگر! آنکه هر شب ریخت بر من بوسه شیرین تویی؟!

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۷۷)

اسلوب معادله: شفیعی‌کدکنی معتقد است که در اسلوب معادله دو مصراع از نظر نحوی کاملاً از یکدیگر مستقل باشند و هیچ حرف، شرط و یا چیز دیگری آنها را حتی (نه فقط از نظر نحو) بهم مرتبط ننماید (ر.ک شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: صص ۶۳ ـ ۶۴). کاربرد این آرایه در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی بسیار کم است.

ای حمیدی هر که دلدار تو شد کوس هنر زد　　باغ چو زیبنده شد ز آن نرگس شهلا برآید
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۲)

لف و نشر: زمانی است که گوینده نخست چند واژه یا مطلب را در یک پاره از کلام با هم بیاورد (لف) و سپس آنها را در پاره‌های دیگر کلام توضیح دهد (نشر) (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۱۵۷).

فرقها دارند لیلای تو و لیلای مجنون　　کاین اهریمن بوسد و او چشم خونپالای مجنون
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۹)

تلمیح: زمانی که شاعر یا نویسنده در میانه متن خود به داستان، آیه قرآن و... اشاره داشته باشد از آرایه تلمیح استفاده کرده است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶: ص ۹۰). در مورد اهمیت و ارزش تلمیح گفته شده که «از آنجایی که تلمیح میتواند معانی گسترده را در کمترین کلمات بگنجاند، از جهت هنری بسیار مهم و قابل توجه است» (محبتی، ۱۳۸۶:ص ۱۱۳). بسامد استفاده از تلمیح در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی به نسبت بالاست. این شاعر در اغلب اشعارش از تلمیحات دینی، تاریخی و بویژه از تلمیحات اسامی شاهنامه استفاده کرده است:

گرچه همتای منیژه استی و در چاهم فکندی　　صبر کن، آخر بمان تا از چه بیژن درآیم
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص۱۰۸)

تضمین: زمانی که شاعر بیت یا مصراعی و مثل یا گفتار مشهوری از دیگران را بصورت عاریه در شعر خود ذکر کند، اگر شعر مشهور و شاعر شناخته شده باشد نیازی به ذکر او نیست، اما در غیر این صورت باید نام شاعر را ذکر کند تا سرقت ادبی بشمار نیاید (ر.ک رنجبر، ۱۳۸۵: ص ۴۶). تنها یک مورد از این آرایه در اشعار مورد بررسی در این مقاله مشاهده شد. حمیدی بیت زیر را که منسوب به فردوسی است در بیت پایانی شعر خود تضمین کرده است:

بایوانها نقش بیژن هنوز　　بزندان افراسیاب اندر است!
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۸۳)

سیاقه الاعداد: زمانی که در شعر اعداد ذکر شود آرایه سیاقه‌الاعداد ایجاد میگردد (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶:ص ۱۶۰).

نسیم صبحم و در هر چمن بجلوه در آیم　　کنم بهر دو سه روزی حدیث عشق بیاری
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۹۴)

سؤال و جواب: زمانی که در شعر پرسش و پاسخ مطرح شود و مبتنی بر گفتگو باشد آرایه سؤال و جواب بوجود می‌آید (ر.ک شمیسا،۱۳۸۶:ص ۱۷۳).

گفتم این را دیده بودم پیش از این　　این کجا ناز است؟ این ناز شماست!

خشمگین شد، گفت: جز این ناز نیست　　یا اگر باشد بشیراز شماست
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۴۹۵)

قلب مطلب: زمانی که شاعر چند واژه را بعینه یا با مختصر تغییری در مصراع دوم با توالی معکوس تکرار نماید آرایه قلب مطلب است (ر.ک شمیسا، ۱۳۸۶:ص ۱۶۱).

آن یکی از این یکی خرمتر و زیبنده‌تر　　این یکی از آن یکی، رعنا و زیباتر
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۷۴)

نمودار شماره (۱۳) بسامد آرایه‌های بدیع معنوی در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی

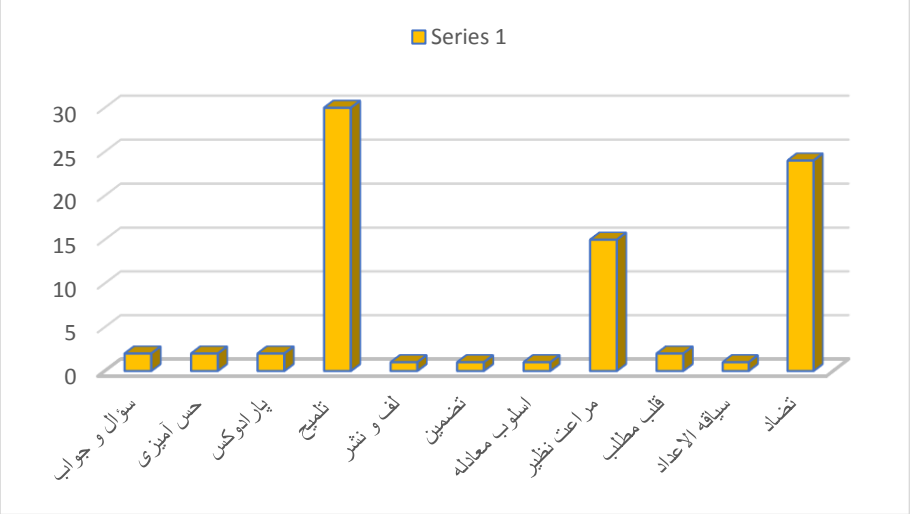

صورخیال در شعر حمیدی‌شیرازی: از جمله صورخیال که در کتب بیانی بررسی میشود تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز است. با توجه به بررسیهای بعمل آمده در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی آرایه مجاز در آنها مشاهده نشد، اما صورخیال دیگر همچون تشبیه و استعاره و کنایه بمانند اشعار سنتی فارسی در اشعار حمیدی‌شیرازی نیز بسامد نسبتاً بالایی دارد.

تشبیه: تشبیه «عبارت است از اشتراکات دو چیز در یک یا چند صفت و گفته‌اند که تشبیه وصف کردن چیزی است به چیزهای مشابه و نزدیک بدان از جهت یا جهات مختلف» (نورایی، ۱۳۹۱:ص ۱۹). در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی، تشبیه بیشترین بسامد را در میان صورخیال دارد و حمیدی از تشبیه به فراوانی در اشعار خود استفاده کرده است.

انواع تشبیه بر اساس مفرد و مرکب بودن طرفین: با بررسیهای انجام شده در اشعار حمیدی مشخص گردید که این شاعر از تشبیهات ساده و روان در اشعار خود استفاده کرده است و بر این اساس اغلب تشبیهات به کار رفته در اشعار او مفرد به مفرد هستند:

مشبه: لب مشبه‌به: شکر

اشک میلغزید و میافتاد از چشم تر او بوسه میزد بر لبان من لب چون شکر او

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۹۰)

در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی تشبیهات مرکب به مرکب نیز با بسامد بسیار کم مشاهده میشود. در تشبیه مرکب به مرکب طرفین تشبیه هر دو مجموعه‌ای از چند چیز هستند که به یکدیگر تشبیه می‌شوند:

در بیت زیر تن پیچنده و ناآرام را به تن پیچنده و در حال خزیدن مار تشبیه کرده است.

ز عشقی و رنجی همه شب ببستر تنت سخت پیچنده چون مار بینم

(همان: ص ۱۴۴)

در بیت زیر شاعر خودش را در حالی که در پرده نشسته به دختران در پرده نشسته تشبیه کرده است.

به پرده نشستم چنان دختران که بود از سخن دختران بیمرم
(همان: ص ۲۹۶)

انواع تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین: اغلب تشبیهات حمیدی‌شیرازی در اشعاری که مورد بررسی قرار گرفت از نوع حسی به حسی است بدین معنا که هر دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به هر دو امری حسی هستند. بر این اساس ذهنیت و عاطفه حمیدی اغلب به امور حسی همچون عناصر طبیعت نزدیک است. تشبیهات حسی به حسی حاصل تجربه حسی صاحب اثر و توجه و دقت او در امور حسی و بیرونی است از دیگر ویژگیهای تشبیهات حسی حمیدی‌شیرازی تازگی و نو بودن آنهاست. علاوه بر تشبیهات حسی به حسی که بسامد بالایی در شعر حمیدی دارند. این شاعر از تشبیهات حسی به عقلی، عقلی به عقلی و عقلی به حسی نیز در شعر خود استفاده کرده است که بسامد آنها بسیار کم است:

حسی به حسی:

هنوز نامه سربسته‌ات چوبازگشایم از آن چو آتش سوزان جهد ز عشق شراری
(همان: ص ۹۵)

حسی به عقلی:

روزها چون دست عشق او دراز شامها چون گیسویش کوتاه شد
(همان: ص ۴۸۱)

عقلی به عقلی: در اشعار مورد بررسی تنها یک مورد از تشبیه عقلی به عقلی مشاهده گردید:

مشبه: یاد مشبه‌به: سایه

هر طرف از یاد او بگریختم یاد او چون سایه پیش و پس دوید
(همان: ص ۴۸۱)

عقلی به حسی:

پشیمانیت را چو خورشید روشن بفرمان کیفر پدیدار بینم
(همان: ص ۱۴۴)

نمودار شماره (۱۴) بسامد انواع تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین

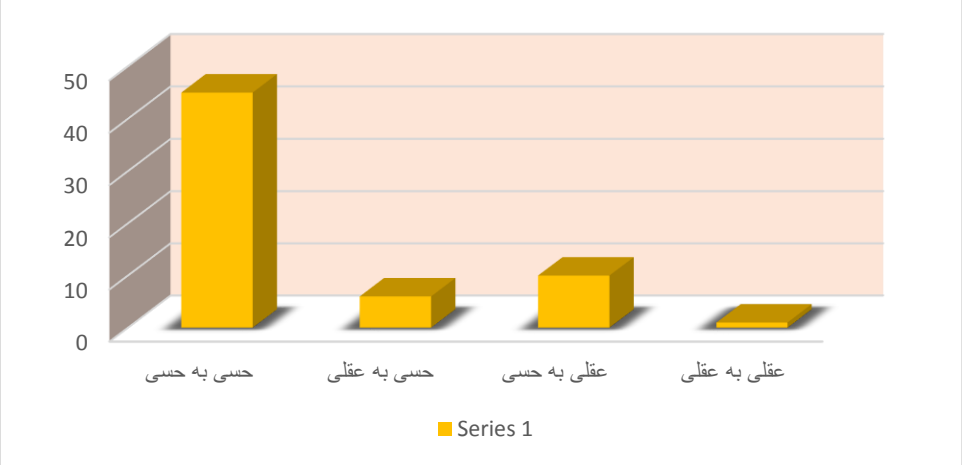

انواع تشبیه بر اساس ذکر یا حذف ارکان تشبیه

تشبیه مفصل مرسل: به تشبیهی که همه ارکان در آن ذکر شود تشبیه مفصل مرسل گفته میشود (ر.ک شفقت و مستعلی پارسا، ۱۴۰۳:ص ۱۹۵). بسامد این نوع تشبیه در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بالاست از نمونه‌های آن:

شبی چوغنچه اگر دل به یاد دوست شکفت　　سحر چو شاخه برکنده غنچه‌ای لرزید

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۳۳۱)

تشبیه مفصل: در تشبیه مفصل وجه‌شبه ذکر میشود. این نوع تشبیه در اشعار حمیدی‌شیرازی بسامد بسیار بالایی دارد.

مادر مجنون منم، مجنون من، بیداد کم کن　　اندکی آرامتر شو، ناله و فریاد کم کن

(همان: ص ۱۹۰)

تشبیه مجمل: زمانی که گوینده وجه‌شبه را در تشبیه ذکر نکند از تشبیه مجمل استفاده کرده است. بسامد این تشبیه در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی بسیار کم است:

که از خود نپرسم که پیمان چه بودش　　رخ زرد و اشک چو مرجان چه بودش

(همان: ص ۱۴۴)

تشبیه مرسل: در تشبیه مرسل ادات تشبیه ذکر میشود. این تشبیه پس از تشبیه مفصل بالاترین بسامد را در اشعار مورد بررسی حمیدی دارد:

ز عشقی و رنجی همه شب ببستر　　تنت سخت پیچنده چون مار بینم

(همان: ص ۱۴۴)

تشبیه مؤکد: زمانی که در تشبیه ادات تشبیه ذکر نشود، تشبیه مؤکد خواهد بود.

در کنارم قصه‌خوان پروانه‌آسا بال و پر زد　　تا بدانگه کز گریبان افق خورشید سر زد

(همان: ص ۱۹۱)

تشبیه بلیغ اضافی:در این نوع تشبیه تنها دو رکن مشبه و مشبه‌به باقی می‌مانند و به یکدیگر اضافه میشوند در واقع مشبه‌به به مشبه اضافه میشود و وجه شبه و ادات حذف میشوند.

جان من گشت ارمغان وفا　　حیف من بود و ارمغانی من

(همان: ص ۱۱۸)

نمودار شماره (۱۵) بسامد انواع تشبیه بر اساس ذکر یا حذف ارکان تشبیه

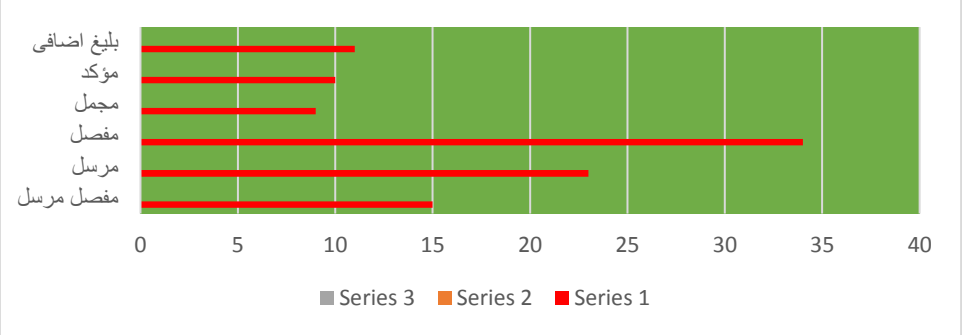

دیگر انواع تشبیه در اشعار مورد بررسی حمیدی‌شیرازی

تشبیه جمع: از دیگر انواع تشبیه، تشبیه جمع است که از نظر شکل ظاهری تشبیه مورد توجه قرار گرفته است و آن تشبیهی است که در آن مشبه یکی و مشبه‌به متعدد باشد. در واقع در این نوع تشبیه برای یک مشبه چند مشبه‌به ذکر میگردد (ر.ک شمیسا، ۱۳۹۴:ص ۱۲۰). در اشعار مورد بررسی این تشبیه بسامد کمی دارد:

مشبه: معشوق مشبه‌به: گنج و مرغ

اگر گنج گردی نجویم نشانت وگر مرغ گردی نیابی منی را
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۵)

مشبه: خود شاعر مشبه‌به: گوهر و آفتاب

پاک همچون گوهرم، تابنده همچون آفتابم زین قبل در من نگیرد تهمت هر قلتبانی
(همان:ص ۲۳۲)

تشبیه مضمر: تشبیه مضمر همان‌گونه که از نام آن پیداست نوعی تشبیه پنهان است و ساختاری تشبیهی ندارد، اما منظور گوینده تشبیه است (ر.ک شمیسا، ۱۳۹۴:ص ۴۹). این تشبیه در اشعار بررسی شده بسامد بسیار کمی دارد. در بیت زیر شاعر به‌صورت مضمر معشوق را به دیو بدگوهر تشبیه کرده است.

وای بر من، وای بر من کی گمان بردم چنینی زنگی آبستنا! من دیو بدگوهر نخواهم
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۱)

استعاره: «استعاره دامی تنگتر و نهانتر از تشبیه است که سخنور در برابر خواننده و یا شنونده خود میگسترد، از این روی پروردگی هنری و ارزش زیباشناختی آن از تشبیه افزونتر است زیرا سخن‌دوست را بیشتر به شگفتی در می‌آورد» (کزازی، ۱۳۷۳: ص ۹۴).

استعاره مصرحه: در استعاره مصرحه مشبه حذف و مشبه‌به ذکر میگردد «فقط مشبه‌به در لفظ آمده و منظور گوینده مشبه باشد» (همایی، ۱۳۷۵:ص ۱۶۴). بسامد استعاره مصرحه در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی با اختلاف اندکی بالاتر از استعاره مکنیه است. در بیت زیر بت استعاره مصرحه از معشوق زیبا رو میباشد:

بخندم چو بینم بتی شاد و خندان بگریم چو خوناب دلبر گشایم
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۴)

استعاره مکنیه: «در این نوع استعاره مشبه را ذکر میکنند نه مشبه‌به را و آن را در دل و ضمیر خود به جانداری تشبیه میسازند و سپس برای آن‌که این تخیل به خواننده منتقل شود یکی از صفات یا ملائمات آن جاندار را در کلام ذکر میکنند» (شمیسا، ۱۳۹۴:ص ۱۵۶). در بیت زیر نالیدن مرغ شب همچون انسان استعاره مکنیه است.

مرغ شب نالید و من بر ناله‌اش گوهر فشاندم دور از چشم شما تب داشتم، اختر فشاندم
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۸۷)

تشخیص: زمانی که صفتهای انسانی را به چیزهای بی جان و انتزاعی نسبت دهیم آرایه تشخیص ایجاد میشود (ر.ک حجتی و دیگران، ۱۳۸۰:ص ۲۸۱). در بیت زیر عقل بمانند انسان سخن میگوید:

عقل میگوید که بنشینم خموش در خمار عشق، این باقی کنم
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۸۱)

نمودار شماره (۱۶) بسامد انواع استعاره در شعر حمیدی‌شیرازی

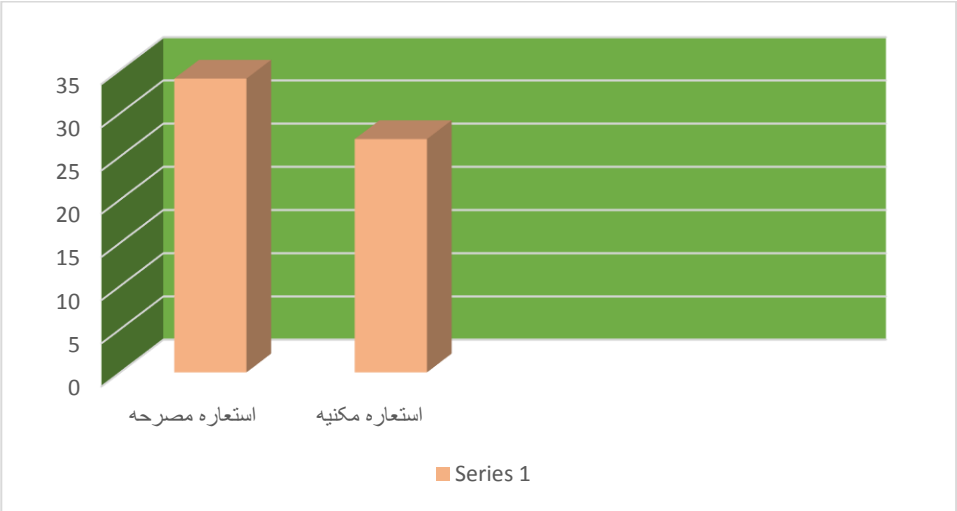

کنایه: «کنایه در لغت بمعنی پوشیده سخن گفتن و ترک تصریح است و در اصطلاح علم بیان، کنایه آن است که موضوع و مطلبی را با گوشه زدن و ایماء و اشاره بیان کنند» (صادقیان، ۱۳۷۱:ص ۲۱۱). در اشعار بررسی شده حمیدی‌شیرازی آرایه کنایه بسامد نسبتاً بالایی دارد. در بیت زیر دهان نبستن کنایه از سکوت نکردن و چشم بر هم زدن کنایه از مدت زمان کوتاه

گر دهانش را نبندد ور زبانش را نگیرد　　چشم تا بر هم زند در قلب خود بیند سنانی

(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۲۳۲)

نمودار شماره (۱۷) بسامد انواع صورخیال در شعر حمیدی‌شیرازی

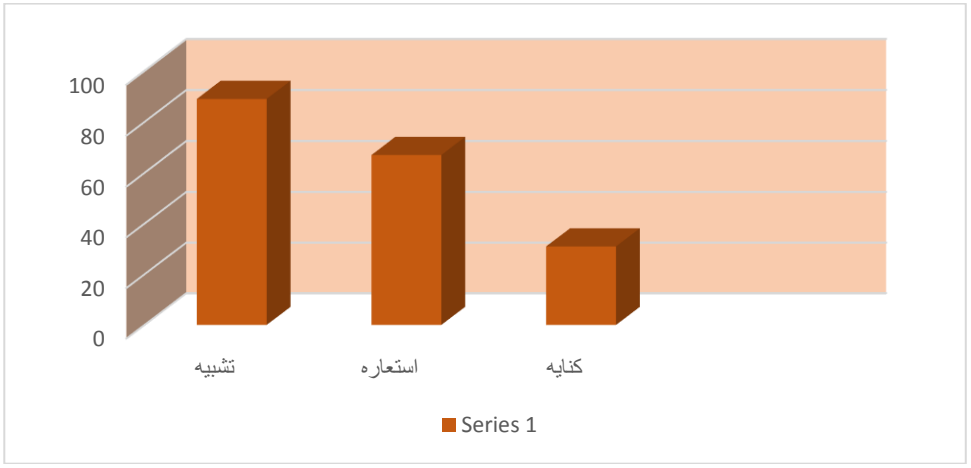

سطح فکری

اشعار حمیدی‌شیرازی، بویژه مجموعه اشعار «اشک معشوق» او، ذوق لطیف و نگاه عاطفی و عاشقانه او در قالبهای سنتی شعر فارسی است که با بیانی روان و صمیمی سروده شده است. درون‌مایه اصلی اشعار او را اغلب احوالات

عاشقانه و وصف عشق، فراق و گله از معشوق تشکیل میدهد که با زبانی تصویرگرایانه و لحنی حزین و پرسوز و گداز روایت میشود. علاوه بر مضامین عاشقانه مجموعه اشک معشوق حاوی مضامین دیگری همچون وصف طبیعت، گله از روزگار و گذشت ایام جوانی است. حمیدی در مجموعه اشک معشوق با بهره‌گیری از توصیفات دقیق و حالات روحی عاشق و معشوق و فضای عاطفی حاکم بر لحظات عاشقانه، سعی دارد تجربیات عاشقانه شخصی خود را با مفاهیم کلاسیک غزل پیوند دهد و در تلاش است تا با تکیه بر تخیل و احساس عاشقانه، پیامی عمیق از رنج‌ها و دلبستگیهای عاشقانه خود را بمخاطب منتقل نماید. از ویژگیهای مضامین عاشقانه شعر حمیدی‌شیرازی استفاده فراوان از تلمیح به داستانهای عاشقانه تاریخی و حماسی، همچون لیلی و مجنون، بیژن و منیژه، و وامق و عذرا، است. شاعر با بهره‌گیری از این شخصیتهای حماسی و تاریخی و تشبیه خود و معشوق به آنها، تلاش میکند تا ژرفای احساسات عاشقانه خود و معشوق را بتصویر بکشد. از نمونه‌های مضامین شعری حمیدی‌شیرازی در اشعار بررسی شده میتوان بموارد زیر اشاره نمود:

پشیمانی از عشق

دگر نه ناز نگاری کشم نه رنج بهاری نه دست عشق بیاری دهم، نه دل بنگاری
(حمیدی‌شیرازی، ۱۳۷۸: ۹۴)

گله از معشوق

دگر تنت نخرم گر گهر شود به پشیزی بجان غمت نبرم گر مکان کند بمزاری
(همان : ص ۹۵)

مکن ایدوست! مکن، اینهمه آزار مرا بیش از این قصه مبر بر سر بازار مرا
(همان: ص ۱۶۱)

کشیدی بنامهربانی سر از من که گفتی بچنگ آوری بهتر از من
(همان: ص ۱۴۲)

گمان کرده بودم که یار منی تو نگار من و گلعذار منی تو

اگر همچو بیژن درافتم بچاهی منیژه صفت غمگسار منی تو
(همان: ص ۱۴۳)

فراق

گر نبینم در رهش یا نشنوم از کس نشانش یوسف گمگشته را از بوی پیراهن درآیم
(همان: ص ۱۰۸)

یاد باد آن شب که بودت دیده گوهر نثاری یاد باد آن شب که بوسیدی و نیکو بوسه دادی
(همان: ص ۱۲۸)

طی شدن ایام جوانی

سوختی، سوختی، جوانی من ای بهین دور زندگانی من
غفلت من ترا بزردی داد ای دو رخسار ارغوانی من
(همان: ص ۱۱۸)

عناصر طبیعت

مرغزاری سبز دارد غرق در بشکوفه‌ها اندکی زین آسمانها پر گل و مینا ترک
(همان: ص ۱۷۳)

خبر رسید بگلبن که ابر تیره برآمد بهار تازه خزان گشت و عمر گل بسر آمد
(همان: ص ۱۸۱)

گله از روزگار

گر همه ملک جهان دشمن شود دارم خدایی کز امید دوستیهاش نترسم از جهانی
(همان: ۲۳۱)

من آن گزیده مارم که روزگار مرا بزهر حرمان آزرد و بر غمم خندید
(همان: ص ۳۳۱)

نتیجه‌گیری

بررسی سبک‌شناسانهٔ اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، نشان داد که این شاعر سنّت‌گرای معاصر، در سطح آوایی زبان، در بحث موسیقی بیرونی یا وزن، از چهار بحر عروضی رَمَل، مُجتث، مُتقارب و هَزَج، بهره برده است. در میان این اوزان، بحر رمل، بیشترین بسامد و بحر هزج، کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. همچنین در میان زحافات بحر رمل، بحر کامل رمل یعنی رمل مثمن سالم، نسبت به دیگر وزن‌های این بحر، بیشترین بسامد را دارد. در موسیقی کناری(قافیه و ردیف) نتایج اشعار بررسی شده از وی، حاکی از آن است که او در قافیه‌سازی از ۱۵ حرف روی، بهره گرفته است که در این میان، حرف «ی» بیشترین بسامد و حروف «و» و «ل» کمترین بسامد را داشته‌اند. از مجموع اشعار مورد بررسی، ۴۴۸ بیت، مردف بوده است که در این میان، ردیف فعلی، بیشترین بسامد و ردیف شبه‌جمله، کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در بررسی موسیقی درونی نیز، مشخص گردید که حمیدی‌شیرازی، بیشتر از سجع مطرف و جناس زاید، استفاده کرده است. تکرار واژه، بالاترین بسامد را در اشعار بررسی شده اش دارد. در بررسی سطح نحوی اشعارش، مؤلّفه‌هایی همچون هنجار گریزی نحوی با محوریّت جابه‌جایی فعل(به‌عنوان بیشترین بسامد) غلبه وجه اخباری در افعال و تمایل به استفاده از جملات وابسته، ساختار نحوی شعرش را شکل داده‌اند. در سطح واژگانی(لغوی) زبان، سبک حمیدی، برآیندی از هم‌نشینی کلمات کهن و سنّتی، با واژگان ابداعی که بر پایه الگوهای کهن به‌ویژه سبک خراسانی است. استفاده از فن «باستان‌گرایی» در افعال و اسامی، در کنار بسامد بالای واژگان حسّی در مقابل واژگان انتزاعی و بهره‌گیری محدود از کلمات عربی و عامیانه، از ویژگی‌های سبکی واژگانی در شعر اوست. بررسی سطح ادبی اشعار مهدی حمیدی‌شیرازی، در بخش بدیع معنوی، نشان می‌دهد که از آرایه‌هایی مانند تلمیح، تضاد، تناسب، پارادوکس، حس‌آمیزی، اسلوب معادله و... استفاده کرده است که در میان آن‌ها تلمیح، تضاد و تناسب، به ترتیب بیشترین بسامد را داشته‌اند. همچنین، در بررسی صور خیال، مشخّص شد که شاعر از تشبیه‌ها، استعاره‌های گوناگون و نیز کنایه، بهره برده است و در این میان، تشبیه حسی به حسی و تشبیه مفصّل، بیش از دیگر انواع تشبیه، به‌کار رفته‌اند. در حوزهٔ استعاره نیز، استعاره مصرّحه، بیشترین بسامد را دارد. در حوزهٔ فکری، شاعر، غالباً به بیان تجربه‌های عاشقانه می‌پردازد و مضامینی چون فراق، گله از معشوق و اندوه جدایی را در اشعار خویش بیان نموده است؛ در کنار این مضامین، مواردی از قبیل گله از روزگار و گذر جوانی را نیز در چارچوب دغدغه‌های عاشقانه مطرح می‌کند و وصف طبیعت را به‌گونه‌ای با مسائل عاطفی و احساسی، پیوند می‌دهد.

حمیدی‌شیرازی، برای تقویت فضای فکری شعر و ایجاد پشتوانهٔ روایی احساسی، از تلمیحات حماسی شاهنامه مانند «بیژن و منیژه» بهره می‌گیرد تا حالات و احساسات عاشقانه را، روشن‌تر و تأثیرگذارتر، بیان کند. درمجموع، این بررسی سبکی، نشان می‌دهد که وی، اغلب مقلّد شاعران پیشین است و نوآوری سبکی او، عمدتاً به حوزهٔ زبان، واژگان(بر اساس سبک خراسانی و باستان‌گرایی در فعل و اسم) و همچنین بهره‌گیری از تلمیحات حماسی، برای بیان مضامین عاشقانه، محدود می‌شود.

مشارکت نویسندگان

محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیختهٔ نشریه بهار ادب بویژه استاد ارجمند، جناب پروفسور امید مجد، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله، گواهی می‌نمایند که این اثر، در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی، به چاپ نرسیده و حاصل فعّالیّت‌های پژوهشی نویسندگان است و ایشان، نسبت به انتشار آن، آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق، طبق کلّیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجراشده و هیچ تخلّف و تقلّبی صورت نگرفته است. مسئولیّت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را، بر عهده می‌گیرد.

REFERENCES

Abassi. Mahmoud and Molla Elahi. Masoumeh (2011). "External Music of the Poems of Naziri Neyshaburi". Quarterly Journal of Subcontinental Studies. University of Sistan and Baluchestan. Year 3. Issue 9. pp. 105-128.

Bahar. Mohammad Taghi (1997). Stylistics. 3 volumes. Tehran: Majid, p. 18.

Ebadian. Mahmoud (2003). An Introduction to Stylistics in Literature. Tehran: Avae Noor, p. 44.

Farshidevard. Khosrow (2009). Today's Detailed Grammar. Tehran: Sokhan, p. 381.

Fesharaki. Mohammad (2000). Novel Criticism. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books.

Foruzandeh. Masoud and Bani Talebi. Amin (2014). "Reflection of the Poet's Viewpoint in the Syntax of the Poems of Weis and Ramin". Textology of Persian Literature. Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, New Edition. Issue 2. Serial 22, pp. 1-22.

Hamidian. Saeed (2002). The story of metamorphosis in Nima's poetry. Tehran: Niloufar. First edition. p. 369.

Hamidi-Shirazi. Mehdi (1999). Tears of the Loved One. Tehran: Contemporary Voice.

Hojati. Hamidah and Others (1997). Encyclopedia of Persian Literature in the Indian Subcontinent. Pakistan, Bangladesh. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 281.

Homaii. Jalal-eddin (1996). Rhetoric Techniques and Literary Crafts. Tehran: Homa, pp. 42, 86, 164.

Horri. Abolfazl (1990). "A Study of Saleh Hosseini's Style as a Literary Translator in Persian Translations Towards the Lighthouse and Anger and Uproar". Research Project. Arak: Arak University, p. 39.

Ighbali. Moazzameh (1987). Poetry and Poets in Islamic Iran. Volume 1. Fourth Edition. Tehran: Sepehr Press, p. 186.

Kamran. Morteza (1973). Selected Contemporary Poets: Dr. Hamidi-Shirazi. Gohar Farvardin and Ordibehesht 1973. Issue 3 and 4. pp. 235-239.

Kanuni. Amin (2016). Study and analysis of the style of Shams Langroodi's poems. Master's thesis in Persian language and literature. Qom: Qom University, p. 55.

Kazzazi. Mir Jalal-eddin (1998). Aesthetics of Persian Speech (Badi'). Tehran: Mad, pp. 48, 82,

_____ (1992). The style of speech. Tehran: Islamic Azad University Scientific Press, p. 211.

Khayampour. Abdolrasoul (1993). Persian grammar. Tabriz Tehran Bookstore. p. 85.

Mahouzi. Mehdi and Erfani. Mustafa (2013). "The influence of Mehdi Hamidi-Shirazi on previous poets". Specialized quarterly journal of Persian poetry and prose style (Bahar Adab). Year 6. Issue 1. Consecutive 19. pp. 331-355.

Moeini. Farzaneh (2019). “Analytical Comparison of Two Creative Rewritings in Mehdi Hamidi-Shirazi’s Poems”. Journal of Poetry Studies (Boostan Adab). Shiraz University. Year 11. Issue 1. Serial 39. pp. 129-151.

Mohabati. Mehdi (2007). New Badi', the art of constructing and arranging speech. Tehran: Sokhan, pp. 123, 113.

Norouzi. Jahanbakhsh (1999). Ornaments of Speech and Types of Persian Poetry. Tehran: Rahgosha, p. 86.

Nouraei. Elyas (2012). The Magic of Expression in the Rainbow of Speech. Second Edition. Tehran: Bar Danesh, p. 19.

Rajaei. Mohammad Khalil (2018). Ma'alem al-Balagha. Shiraz: Shiraz University Press, p. 405.

Ranjbar. Ahmad (2006). Badi'. Tehran: Asatir, p. 46.

Sabour. Dariush (2001). On the Infinite Border: A Look at Contemporary Persian Poetry and Contemporary Literature. Second edition. Tehran: Sokhan. p. 331.

Sadeghian. Mohammad Ali (2008). The ornament of speech in Persian novel. Second edition. Tehran: Yazd University Press, p. 75.

_____ (1994). Aesthetics of Persian Speech (Bayan). Second edition. Tehran: Markaz, p. 94.

Shafa'ii. Ahmad (1984). Scientific foundations of Persian grammar. Tehran: Novin. p. 89.

Shafii-Kadkani. Mohammad Reza (1992). Poet of Mirrors. Tehran: Agah Publications, pp. 54, 75.

_____ (1990). Music of Poetry. Tehran: Agah, p. 391.

_____ (1996). Imagination in Persian Poetry. Third Edition. Tehran: Agah, pp. 63-64.

Shafqat. Shafiqullah and Masteali Parsa. Gholamreza (2024). "A stylistic study of the ghazals of the king of poets by Qari Abdullah". Scientific journal of Persian poetry and prose stylistics (former Bahar Adab). Year 17. Issue 1. Serial 95. pp. 179-206.

Shamisa. Sirus (1994). Meanings. Tehran: Mitra, p. 111.

_____ (1997). A New Look at Badi'. Tehran: Ferdows, pp. 33, 34, 38, 42, 57, 90, 173, 161
_____ (1998) Bayan. Tehran: Mitra, pp. 52, 120.
_____ (2015). Bayan. Fourth edition. Tehran: Mitra, pp. 156, , 49, 120.
Shari'at. Mohammad Javad (1998). Persian grammar. Tehran: Asatir, p. 131.
Tajlil. Jalil (1992). Puns in the Field of Persian Literature. Second Edition. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, p. 30.

فهرست منابع فارسی

اقبالی. معظمه (۱۳۶۶). شعر و شاعران در ایران اسلامی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: چاپخانه سپهر، ص ۱۸۶.
بهار. محمدتقی (۱۳۷۶). سبک‌شناسی. ۳ جلد. تهران: مجید، ص ۱۸.
تجلیل. جلیل (۱۳۷۱). جناس در پهنه ادب فارسی. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۳۰.
حجتی. حمیده و دیگران (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره هند. پاکستان، بنگلادش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۸۱.
حرّی. ابوالفضل (۱۳۸۹).« بررسی سبک صالح حسینی در مقام مترجم ادبی در ترجمه‌های فارسی به‌سوی فانوس دریایی و خشم و هیاهو». طرح پژوهشی. اراک: دانشگاه اراک، ص ۳۹.
حمیدی‌شیرازی. مهدی (۱۳۷۸). اشک معشوق. تهران: صدای معاصر.
حمیدیان. سعید (۱۳۸۱). داستان دگردیسی در شعر نیما. تهران: نیلوفر. چاپ اول. ص ۳۶۹.
خیام پور. عبدالرسول (۱۳۷۲). دستور زبان فارسی. تبریز کتاب‌فروشی تهران. ص ۸۵.
رجایی. محمد خلیل (۱۳۷۹). معالم البلاغه. شیراز: نشر دانشگاه شیراز، ص ۴۰۵.
رنجبر. احمد (۱۳۸۵). بدیع. تهران: اساطیر، ص ۴۶.
شریعت. محمدجواد (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر، ص ۱۳۱.
شفایی. احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی. تهران: نوین. ص ۸۹ .
شفقت. شفیق‌الله و مستعلی‌پارسا. غلامرضا (۱۴۰۳). «بررسی سبک‌شناسانه غزل‌های ملک‌الشعرا قاری عبدالله». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره یکم. پی‌درپی ۹۵. صص۱۷۹-۲۰۶.
شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۱). شاعر آیینه‌ها. تهران: انتشارات آگاه، صص ۵۴، ۷۵.
_____ (۱۳۸۹). موسیقی شعر. تهران: آگه، ص ۳۹۱.
_____ (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی. چاپ سوم. تهران: آگاه، ص ۶۳ ـ ۶۴.
شمیسا. سیروس (۱۳۷۳). معانی. تهران: میترا، ص ۱۱۱.
_____ (۱۳۸۱) بیان. تهران: میترا، صص۵۲، ۱۲۰.
_____ (۱۳۸۶). نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، صص ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۲، ۵۷، ۹۰، ۱۷۳، ۱۶۱.
_____ (۱۳۹۴). بیان. چاپ چهارم. تهران: میترا، ص ۱۵۶، ، ۴۹، ۱۲۰.
صادقیان. محمدعلی (۱۳۸۷). زیور سخن در بدیع فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه یزد، ص ۷۵.
_____ (۱۳۷۱). طراز سخن. تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۲۱۱.
صبور. داریوش (۱۳۸۰). بر کران بیکران: نگاهی به شعر معاصر فارسی ادبیات معاصر. چاپ دوم. تهران: سخن. ص ۳۳۱.
عبادیان. محمود (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات. تهران: آوای نور، ص ۴۴.
عباسی. محمود و ملاالهی. معصومه (۱۳۹۰). «موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری». فصلنامه مطالعات شبه‌قاره. دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال سوم. شماره نهم. صص ۱۰۵ ـ ۱۲۸.
فرشید ورد. خسرو (۱۳۸۸). دستور مفصل امروز. تهران: سخن، ص ۳۸۱.

فروزنده. مسعود و بنی طالبی. امین (۱۳۹۳). «بازتاب دیدگاه شاعر در نحو منظومه ویس و رامین». متن شناسی ادب فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان دوره جدید. شماره ۲. پیاپی ۲۲، صص ۱ ـ ۲۲.
فشارکی. محمد (۱۳۷۹). نقد بدیع. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
کامران. مرتضی (۱۳۵۲). شاعران گزیده معاصر: دکتر حمیدی‌شیرازی. گوهر فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۲. شماره ۳ و ۴. صص ۲۳۵ ـ ۲۳۹.
کزازی. میر جلال‌الدین (۱۳۷۷). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بدیع). تهران: ماد، صص ۴۸، ۸۲،
_____ (۱۳۷۳). زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان). چاپ دوم. تهران: مرکز، ص ۹۴.
کنونی. امین (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل سبک اشعار شمس لنگرودی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. قم: دانشگاه قم، ص ۵۵.
ماحوزی. مهدی و عرفانی. مصطفی (۱۳۹۲). «تأثیرپذیری مهدی حمیدی‌شیرازی از شاعران پیشین». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم. شماره اول. پیاپی ۱۹. صص ۳۳۱ ـ ۳۵۵.
محبتی. مهدی (۱۳۸۶). بدیع نو، هنر ساخت و آرایش سخن. تهران: سخن، صص ۱۲۳، ۱۱۳.
معینی. فرزانه (۱۳۹۸). «مقایسه تحلیلی دو بازنویسی خلاق در سروده‌های مهدی حمیدی‌شیرازی». مجله شعر پژوهی (بوستان ادب). دانشگاه شیراز. سال یازدهم. شماره اول. پیاپی ۳۹. صص ۱۲۹ ـ ۱۵۱.
نورایی. الیاس (۱۳۹۱). جادوی بیان در رنگین‌کمان سخن. چاپ دوم. تهران: بار دانش، ص ۱۹.
نوروزی. جهانبخش (۱۳۷۸). زیورهای سخن و گونه‌های شعر فارسی. تهران: راهگشا، ص ۸۶.
همایی. جلال‌الدین (۱۳۷۵). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، صص ۴۲، ۸۶، ۱۶۴.

معرفی نویسندگان

محمدامین احسانی اصطهباناتی: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(Email: *Ehsani estahbanati* :نویسنده مسئول)
(ORCID: 0000-0003-2464-1147)
نجیمه فاضلی: دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(Email: *n.fazeli93@gmail.com*)
(ORCID: 0009-0008-0957-3012)

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mohammad Amin Ehsani Estahbanati: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
(Email: *Ehsani estahbanati* : Responsible author)
(ORCID: 0000-0003-2464-1147)
Najimeh Fazeli: Master's student in Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
(Email: *n.fazeli93@gmail.com*)
(ORCID: 0009-0008-0957-3012)